

مباحث  
جریان شناسی  
سلفیگری معاصر

دارالاعلام  
لبنان  
النشوات دارالاعلام  
المدرسة اهل البيت (ع)



# تاریخ تفکر سلفیگری

از آغاز تا عصر حاضر

■ مهدی فرمانیان

سلفیگری



الحمد لله  
الرحمن  
الرحيم



سلسلہ  
مباحث  
جریان شناسی  
سلفی مہم

# تاریخ تفکر سلفی گری

از آغاز تا عصر حاضر

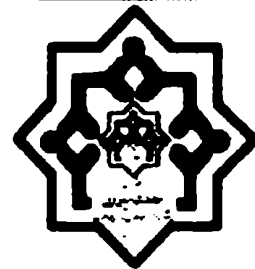
■ مہدی فرمائیں

سرشناسه: فرمانیان، مهدی، ۱۳۵۲ -  
 عنوان و پدیدآور: تاریخ تفکر سلفی‌گری / تألیف مهدی فرمانیان: [تهیه کننده] موسسه  
 روشنگر آرمان اندیشه مطالعات بنیان دینی  
 مشخصات نشر: قم: دارالاعلام لمدرسه اهل البيت (ع)، ۱۳۹۳ -  
 مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.  
 فروست: جریان شناسی سلفی‌گری معاصر؛ ۱۲  
 شابک (ج. ۱): ۱-23-6007667-978-(V.1)  
 شابک (دوره): 3-9-94805-600-978-(V.SET)  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
 یادداشت: کتابنامه  
 موضوع: سلفیه - تاریخ  
 موضوع: سلفیه - عقاید  
 موضوع: سلفیه - کشورهای اسلامی  
 موضوع: وهابیه  
 موضوع: اخوان المسلمین  
 شناسه افزوده: موسسه روشنگر آرمان اندیشه مطالعات بنیان دینی  
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۲ت ۴ف / ۲۳۸/۵ BP  
 رده بندی دیوئی: ۲۹۷/۴۶۴  
 شماره کایشناسی: ۹۳۲۲۷۶۸



انتشارات دارالافتاء  
 لمدرسة اهل البيت (ع)

انتشارات دارالافتاء لمدرسة اهل البيت (ع)  
 قم، خیابان شهید فاطمی، کوچه ۲، فرعی لول، پلاک ۳۱.  
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۷۲۹  
 مدیر انتشارات: محمد حسن بهشتی ۰۹۱۰۲۰۴۳۱۰۶



موسسه مطالعات بنیان دینی  
 (انجمن‌کنده راهبردی لبنان، فرق و مذاهب)  
 قم، بلوار شهید احمد کرمی، کوچه ۲۱، پلاک ۱۶  
 تلفن: ۰۲۵-۳۲۷۰۷۰۰۹، ۰۹۱۰۰۱۱۳۵۹۵

## تاریخ تفکر سلفی‌گری

از آغاز تا عصر حاضر

|                      |                                          |
|----------------------|------------------------------------------|
| تألیف:               | مهدی فرمانیان                            |
| ناشر:                | انتشارات دارالافتاء لمدرسة اهل البيت (ع) |
| صفحه‌آرا و طراح جلد: | محبوب محسنی                              |
| چاپ و صحافی:         | سلیمان‌زاده                              |
| تیراژ:               | ۵۰۰۰ جلد                                 |
| نوبت چاپ:            | اول - بهار ۱۳۹۴                          |
| قیمت:                | ۴۰۰۰ تومان                               |
| شابک:                | ۱-۲۳-۷۶۶۷-۶۰۰-۹۷۸                        |

## دیباچه

با توجه به تحولات منطقه و رشد و گسترش سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری، موسسه مطالعات بنیان دینی با هدف ارائه تحقیقات کاربردی و راهبردی، طرح کتابچه‌های مختصر و علمی در زمینه سلفی‌گری را به موسسه دارالاعلام پیشنهاد داد. موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت علیهم السلام، با اشراف حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی - دام ظلّه الوارف - با هدف سلفی‌پژوهی و وهابیت‌شناسی و نقد آرا و افکار آنها، در سال ۱۳۸۹ تأسیس شد و با برگزاری دوره آموزشی - پژوهشی جریان‌شناسی سلفی‌گری و نقد وهابیت، به تربیت محقق در این زمینه پرداخت. در کنار تربیت متخصص، انتشار فصل‌نامه سراج منیر (مجله تخصصی نقد وهابیت) از مهم‌ترین اقدامات موسسه است که تاکنون، چهارده شماره از آن انتشار یافته و مورد استقبال مراجع، استادان و محققان قرار گرفته است. راه‌اندازی سایت وهابیت‌شناسی، انتشار آثاری در تبیین و نقد افکار سلفیه و ایجاد کتابخانه تخصصی، از دیگر فعالیت‌های این موسسه است.

در این زمینه، کمبود پژوهش‌های متقن، علمی و مختصر در شناخت و تحلیل جریان‌های سلفی معاصر وجود دارد؛ در حالی که اطلاع از وضعیت فعلی این جریان‌ها و ربط و نسبت آنها با دیگر گروه‌ها و

مذاهب گوناگون، از احتیاجات مبرم مراکز علمی و فرهنگی کشور است؛ به همین علت، مؤسسه دارالاعلام که مؤسسه‌ای تخصصی و حوزوی است و از استادان مجرب و پژوهشگران متخصص در زمینه سلفی پژوهی و نقد وهابیت برخوردار است، طرح مؤسسه مطالعات بنیان دینی را پذیرفت و مقرر گردید که به صورت مشترک این کتابچه‌ها انتشار یابد. این دو مؤسسه وظیفه خود می‌دانند که خلا این پژوهش‌ها را پر کنند و در این زمینه، یاریگر مؤسسات و مراکز فرهنگی و علمی کشور باشند.

با توجه به مطالب بیان شده، مؤسسه طرح کتابچه‌های پالتویی را در زمینه شناخت و تحلیل جریان‌های سلفی و تکفیری معاصر، در دستور کار قرار داد و با یاری گرفتن از استادان و پژوهشگران خود و مؤسسه مطالعات بنیان دینی، به انتشار چهارده کتابچه در معرفی و تحلیل جریان‌های سلفی معاصر اقدام کرد.

چهارده موضوع مورد تحقیق در زمینه جریان‌شناسی سلفی‌گری معاصر عبارتند از:

۱. تاریخ تفکر سلفی‌گری؛
۲. ابن تیمیه، مؤسس مکتب سلفیه؛
۳. وهابیت، تاریخ و افکار؛
۴. جریان سلفی - زیدی؛
۵. دیوبندیه؛
۶. جماعة التبلیغ؛
۷. سپاه صحابه و لشکر جهنگوی؛
۸. طالبان؛
۹. اخوان المسلمین؛

۱۰. سلفیه جهادی؛

۱۱. افغان العرب؛

۱۲. القاعده؛

۱۳. داعش؛

۱۴. تأثیر افراط‌گری شیعه بر گسترش سلفی‌گری.

بیشتر نویسندگان از محققان مؤسسه دارالاعلام هستند که با گذراندن دوره پژوهشی دوساله نقد و هایت در مؤسسه، اکنون توانایی تبلیغ، تدریس و تحقیق در زمینه سلفی‌پژوهی و نقد و هایت را دارند و این تحقیق حاصل زحمات این عزیزان است.

در پایان، از حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی فرمانیان، رئیس محترم مؤسسه مطالعات بنیان دینی (اندیشکده راهبردی ادیان، فرق و مذاهب) که راهنمایی و ویرایش علمی این مجموعه را نیز به عهده داشتند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

مهدی مکارم شیرازی

ریاست مؤسسه

دارالاعلام لمدرسة اهل البيت عليه السلام



## فهرست مطالب

|    |                                                          |
|----|----------------------------------------------------------|
| ۱۱ | مقدمه                                                    |
| ۱۲ | مراحل چهارگانه تاریخ تفکر اصحاب حدیث و سلفی‌گری          |
| ۱۴ | اصحاب اثر؛ پیشینه فکری اصحاب حدیث                        |
| ۱۷ | ظهور اصحاب حدیث                                          |
| ۲۰ | احمد بن حنبل و توجه به آثار سلف                          |
| ۲۴ | مبانی فکری احمد بن حنبل                                  |
| ۲۵ | اصول اعتقادی احمد بن حنبل                                |
| ۲۸ | گرایش‌های فکری اصحاب حدیث (قرن ۴-۸ ه.ق.)                 |
| ۳۳ | ظهور اشاعره و افول اصحاب حدیث                            |
| ۳۴ | ظهور ابن تیمیه و تأسیس مکتب سلفیه                        |
| ۳۶ | مفهوم سلفی‌گری و تأسیس مکتب سلفیه                        |
| ۴۱ | قرن دوازده هجری و بازگشت سلفی‌گری                        |
| ۴۱ | وهابیت، مقلدان محض ابن تیمیه                             |
| ۴۵ | دیوبندیه، مکتبی با گرایشی صوفیانه                        |
| ۴۷ | اخوان المسلمین، تشکیلاتی برای رسیدن به حکومت             |
| ۴۹ | سلفیان جهادی: تفنگ‌به‌دوشانی در پی یافتن مکانی برای جهاد |
| ۵۲ | تقسیم‌بندی‌های گوناگون در خصوص جریان‌شناسی سلفی‌گری      |
| ۵۷ | منابع                                                    |



## مقدمه

با مراجعه به کتب ملل و نحل و فرق و مذاهب می‌توان به این نتیجه رسید که تا ظهور ابن تیمیه (متوفی ۷۲۸ ق.) مکتبی به نام سلفیه در تاریخ وجود نداشته<sup>۱</sup> و ایشان مؤسس مکتب سلفیه است؛ اما از آن جهت که برداشت‌ها و تفاسیر جدید خود را به نام سلف مطرح کرد، برای بسیاری از اهل سنت و برخی نویسندگان شیعه، مسئله مشتبه شد و نویسندگان متعددی، ایجاد مکتب سلفیه را، همان‌طور که ابن تیمیه می‌پسندید، تا دوران صحابه پیش بردند و عملاً به گسترش اندیشه‌های ابن تیمیه و سلفیه کمک کردند؛ اما آنچه امروز به عنوان تفکرات سلفیه مطرح می‌شود، همان تفاسیر و برداشت‌های اشتباه ابن تیمیه از مفاهیمی همچون «توحید»، «شرک»، «سنت» و «بدعت» است که متأسفانه به اسم سلف مطرح می‌شود.

بنابراین، باید مکتب سلفیه را مکتب ابن تیمیه نامید. زیرا آنچه امروزه به عنوان افکار سلف و مذهب سلفیه در منابع و رسانه‌ها مطرح می‌شود، همان افکار ابن تیمیه است که به اسم سلف به ملت‌ها تزریق می‌شود؛ اما از آن جهت که ابن تیمیه پیرو اعتقادات اصحاب حدیث است، تمامی عقاید اصحاب حدیث را می‌پذیرد. به پیروی از ابن تیمیه، بیشتر سلفیان،

---

۱. در کتاب مقالات الاسلامیین اشعری، الفرق بین الفرق بغدادی، الملل و النحل شهرستانی، الفصل ابن حزم، التبصیر فی الدین اسفراینی، المحصل فخر رازی، و به عبارتی در هیچ یک از آثار ملل و نحل از فرقه‌ای به نام سلفیه یاد نشده است که نشان می‌دهد در قرون نخستین و میانه تاریخ اسلام، فرقه‌ای به نام سلفیه وجود خارجی نداشته است.

به ویژه وهابیت، حدیث‌گرا بودند و همه عقاید اصحاب حدیث را پذیرفته‌اند. بنابراین، در این نوشته باید از اصحاب حدیث و عقاید آنها به عنوان پیشینه تاریخی مکتب سلفیه بحث کرد. اگرچه ابن تیمیه در عقاید، اصحاب حدیثی و در فقه، حنبلی است، اما در هر دو بخش، تفاسیر و اجتهادات جدیدی دارد. همین برداشت‌های جدید، بلای جان جهان اسلام شده، تفرقه را در جهان اسلام نهادینه کرده است و از آن جهت که تمام سلفی‌ها به شدت تحت تأثیر ابن تیمیه‌اند، بیشتر اندیشه‌های اصحاب حدیث و همه یا برخی از افکار ابن تیمیه را پذیرفته‌اند. در تحلیلی آماری می‌توان بیان داشت که حدود هفتاد درصد از افکار وهابیت، افکار اهل حدیث و سی درصد دیگر همان بدعت‌های تفسیری ابن تیمیه است. بنابراین، باید از اصحاب حدیث و ابن تیمیه به عنوان پیشینه فکری سلفیان امروزی بحث کرد و نشان داد که افکار جریان‌های سلفی در باب توحید و شرک و سنت و بدعت بیشتر تحت تأثیر ابن تیمیه است و در دیگر افکار، متأثر از اهل حدیث هستند.

### **مراحل چهارگانه تاریخ تفکر اصحاب حدیث و سلفی‌گری**

با بررسی تاریخ تفکر اصحاب حدیث و سلفی‌گری می‌توان چهار

مرحله فکری برای تاریخ تفکر سلفی‌گری تصور کرد:

۱. اصحاب اثر: نخستین مرحله، ظهور اصحاب اثر در شهرهای مدینه، شام و بصره است که در مقابل اصحاب رأی در کوفه و مکه قرار داشتند. این تفکر در قرن اول و دوم هجری در مدینه بسیار رواج داشت و اثرگرایی مالک بن انس و اساتیدش در مقابل رأی‌گرایی ابوحنیفه و اساتیدش، باعث اختلافات فراوانی در فهم اسلام شد. جای تعجب

است که سلفیان امروزی این همه اختلاف سلف را ندیده‌اند و فهم همه سلف را یکسان می‌دانند.

۲. اصحاب حدیث: با ظهور شافعی و گرایش ایشان به حدیث و مضیق کردن مفهوم سنت به قول و فعل و تقریر پیامبر، طرفداران اصحاب اثر به اصحاب حدیث ملقب شدند و اعتقادنامه‌های کوچک اصحاب حدیث در قرن سوم و چهارم به نگارش درآمد که بیشتر این اعتقادنامه‌ها با عنوان «السنة» یا «اصول السنة» به جامعه علمی آن زمان عرضه شد. تفکر اصحاب حدیث در آثار احمد بن حنبل و نویسندگان صحاح سته اهل سنت نمود یافت و اصحاب حدیث به عنوان یک جریان فکری در مقابل معتزله و سپس در مقابل اشاعره صف‌آرایی کردند.

۳. تأسیس مکتب سلفیه: تفکر اصحاب حدیث با گرایش‌های درون مذهبی، راه خود را در قرون میانه (سوم تا هشتم) ادامه داد تا اینکه در قرن هشتم فردی به نام ابن تیمیه از دل اصحاب حدیث ظهور کرد و با تأسیس مکتبی به نام سلفیه، جریانی هم‌عرض اصحاب حدیث ایجاد کرد که حدود هفتاد درصد از افکار و اندیشه‌های وی با اصحاب حدیث مشترک است و حدود سی درصد هم برداشت‌ها و تفاسیر اشتباه خود ابن تیمیه است.

۴. بازگشت سلفی‌گری: از قرن هشتم تا قرن دوازدهم تفکر ابن تیمیه در محاق بود تا اینکه در قرن دوازدهم هجری مدرّسانی در مدینه به تدریس افکار ابن تیمیه اهتمام ورزیدند و شاگردانی از اطراف و اکناف جهان اسلام یافتند و این شاگردان اندیشه‌های ابن تیمیه را گسترش دادند. محمد بن عبدالوهاب در عربستان، شاه ولی‌الله دهلوی در شبه‌قاره هند و ابن‌الامیر صنعانی در یمن از مهم‌ترین افرادی هستند که در قرن

دوازدهم ق. به ترویج تفکر ابن تیمیه پرداختند. از دل اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب، وهابیت و از دل اندیشه‌های ابن‌الامیر صنعانی، سلفیه زیدیه و از دل اندیشه‌های شاه ولی‌الله دهلوی، مکتب دیوبندیه و از دل دیوبندیه، جماعت التبلیغ، سپاه صحابه و طالبان بیرون آمد.

در قرن چهاردهم هجری، تفکر ابن تیمیه به شمال آفریقا وارد شد و سید محمد رشیدرضا با پذیرش افکار وی، این اندیشه را در شمال آفریقا گسترش داد و تحت تأثیر وی، حسن البناء با تأسیس اخوان المسلمین، تفکر سلفیه اصلاحی را در شمال آفریقا و کشورهای عربی گسترش داد. از دل اندیشه‌های اخوان المسلمین که معتدل و تقریبی بودند، جریان‌ی تند و تکفیری به نام سلفیه جهادی بیرون آمد و از دل سلفیه جهادی، افغان‌العرب، القاعده و داعش بیرون آمد.

این چهار مرحله، مراحل اصلی تاریخ تفکر سلفی‌گری است که در این نوشتار به این مراحل چهارگانه، به اختصار خواهیم پرداخت و با تفصیل بیشتری از پیشینه فکری سلفی‌گری سخن خواهیم گفت.

### اصحاب اثر؛ پیشینه فکری اصحاب حدیث

اهل سنت، اثر را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «یطلق الآثار علی افعال الصحابة»؛ یعنی به افعال صحابه اثر می‌گویند. جمال‌الدین قاسمی از محدثان مورد اعتماد سلفیان معاصر در تعریف اثر می‌نویسد: «فتاوا و اقوال منقول از صحابه را اثر گویند». این تعریف از اثر، شایع‌ترین تعریف از اثر است.<sup>۱</sup>

در نگاه اصحاب حدیث و سلفیان، اثر در کنار حدیث پیامبر منبعی برای فهم اسلام است؛ زیرا در دوره فتوحات، صحابه در جهان اسلام



پراکنده، و هر کدام در شهری مستقر شدند. مردم که تازه با اسلام آشنا شده بودند، اسلام را در عمل و رفتار و اقوال صحابه می‌دیدند و هر رفتاری از صحابه را مساوی با اسلام می‌پنداشتند و همین مسئله باعث گسترش اثرگرایی (توجه بیش از حد به افعال و اقوال صحابه) در دوره پس از پیامبر شد و تابعین، آثار صحابه را همچون سنت پیامبر تلقی کردند و به نسل‌های بعد انتقال دادند. گرایش به اثر، که در بسیاری از شهرهای اسلامی رونق داشت، نوعی از گرایش به سلف (صحابه) را در اذهان ایجاد می‌کرد و باعث می‌شد مسلمانان سده اول و دوم هجری در هر مسئله‌ای اول به اقوال صحابه مراجعه کنند و سپس به تابعین؛ و اگر مطلبی از این گذشتگان نمی‌یافتند، نظر خود را بیان می‌کردند. ظهور اصحاب رأی در کوفه، و معتزله در بصره، باعث شد انتقاداتی به این روش تابعین وارد شود و کم‌کم توجه به حدیث در میان اصحاب اثر بیشتر شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در قرن اول و دوم هجری، اقوال و فتاوی صحابه پیامبر و تابعین آنها، همچون سنت و حدیث پیامبر جایگاه مهمی داشت و به همین علت، رفتار خلفا، هم‌طراز سنت رسول خدا شد و کار به جایی رسید که گاه به اقوال و اعمال صحابه یا تابعین، بیشتر از سنت پیامبر اهمیت می‌دادند. به عبارت دیگر، در قرن اول و دوم هجری به همان اندازه که به احادیث و سنن پیامبر اهمیت داده می‌شد، به آثار صحابه نیز اهمیت می‌دادند.

لذا می‌توان پذیرفت که در قرن اول و دوم هجری، سخنان پیامبر به عنوان یک نظریه برتر در کنار دیگر اقوال و فتاوی صحابه و تابعین مطرح بود.

در این زمان به علت کم‌توجهی به سنت پیامبر، دوروش متفاوت در میان

تابعین تابعین ایجاد شد: اصحاب اثر در مدینه و اصحاب رأی در کوفه. روی آوردن به رأی یا اثر در مسائلی که حکمی درباره آن نزد صحابه نبود، خود زمینه‌ای مهم برای بروز اختلاف در میان تابعین شد و توجه دوچندان به آثار صحابه در مکتب مدینه را به وجود آورد.<sup>۱</sup> کسانی که می‌ترسیدند رأی صادر کنند، بیشتر در پی آن بودند که اثری (فتوایی) از پیشینیان برای خود بیابند و اگر چیزی نمی‌یافتند، نظر خود را ابراز می‌کردند. افرادی که بیشتر در پی اثر (فتواهای) سلف (صحابه یا تابعین قبل از خود) بودند، اصحاب اثر نام گرفتند و کسانی که بیشتر تمایل داشتند نظر خود را ابراز کنند، اصحاب رأی نام گرفتند. به عبارت دیگر، عده‌ای در پی نقل آرای دیگران (سلف) بودند و عده‌ای آرای خویش را بیان می‌کردند.<sup>۲</sup> در میان تابعین تابعین این دو تفکر نمود بیشتری یافت و ابوحنیفه نماینده رأی‌گرایان کوفه و مالک بن انس نماینده اثرگرایان مدینه شد. شاید به همین علت، مالک بن انس (متوفی ۱۷۹ ه.ق.) عمل مردم مدینه را، اثر صدر نخستین دانسته و به عنوان یکی از ادله پذیرفته و در موطأ خود در موارد متعدد به فتاوی صحابه و تابعین استناد می‌کند و بر طبق فتوای قههای سبعة مدینه فتوا می‌دهد.<sup>۳</sup> در عبارتی مشهور از احمد بن حنبل نیز منقول است که «اگر مسئله‌ای پیش آمد و درباره آن اثری [فتوایی] از پیشینیان یافت نشد، فتوا، قول شافعی است». توجه به آثار صحابه و تابعین، بیشتر از همه خود را در تفسیر قرآن به وضوح نشان داده است. تفسیر اثری یکی از مهم‌ترین مکاتب تفسیری است که هنوز پیروان فراوانی دارد.<sup>۴</sup>

۱. درباره مفهوم اثر نک.: جابری، علی حسین، *الفکر السلفی عند الشيعة الاثنی عشریة*، ص ۴۶-۴۸.

۲. نک: «اصحاب رأی»، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، ص ۱۱۶.

۳. نک.: سیوطی، جلال‌الدین، *تویر الحواله* ج ۱، ص ۴؛ مالک ابن انس، *موطأ*، مقدمه، ص «زک».

۴. درباره تفسیر اثری نک.: معرفت، محمدهادی، *تفسیر الجامع الاثری*، مقدمه کتاب.

## ظهور اصحاب حدیث

از ابتدای قرن دوم به دستور عمر بن عبدالعزیز بحث نگارش حدیث شروع شد، اما جدی گرفته نشد و حدیث چندانی نوشته نشد. زیرا با سنت یکصدساله گذشته که خلیفه دوم هم تأکید فراوانی بر آن کرده بود، منافات داشت. در نیمه نخست قرن دوم و در ۱۴۳ ق. به دستور منصور عباسی نگارش سنت پیامبر بار دیگر مطرح شد و ابن شهاب زهری، به عنوان نخستین تدوین‌گر سنت پیامبر، با دستور منصور، خلیفه عباسی، مأمور نگارش کتابی در این زمینه شد، اما موطأ مالک بن انس نیز پر است از اثر (فتاوی) صحابه و تابعین. اثر در کنار حدیث پیامبر جایگاه ویژه‌ای داشت. از نیمه دوم قرن دوم، تدوین حدیث سرعت بیشتری گرفت و رساله‌هایی در زمینه‌های گوناگون به نگارش درآمد. نتیجه توجه به حدیث این بود که با وجود کثرت احادیث مرفوع از پیامبر، چه دلیلی بر اعتبار دادن بیش از حد به آثار صحابه است.<sup>۱</sup>

در این زمان شافعی ظهور کرد و با نقد اثرگرایی مالک بن انس، نظامی جدید عرضه کرد که در کلیت با موازین سنتی اصحاب اثر نزدیک بود. وی نخستین کسی بود که معتقد شد ظواهر قرآن بدون سنت نبوی قابل تمسک نیست و مکتبی حدیث‌گرا ایجاد کرد. شافعی همچنین با ارائه تعریف مضیق از لفظ «سنت»، برخلاف گذشتگان، فقط احادیث را - اگرچه مرفوع باشند - نماینده سنت دانست و آثار صحابه را از تعریف سنت خارج کرد. وی به مالک بن انس و اوزاعی که گاه دیدگاه‌های صحابه را به احادیث مرفوع ترجیح می‌دادند، ایراد گرفت. این نگاه شافعی به حدیث پیامبر نقطه عطفی در بازگشت از اثرگرایی به حدیث‌گرایی بود.<sup>۲</sup>

۱. نک.: پاکتچی، احمد، «اصحاب حدیث»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۳.

۲. همان.



پس از شافعی، احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه راه شافعی را پیمودند و آنان نیز پذیرفتند که تمسک به احادیث مرفوع بهتر از آثار صحابه است، ولی هیچ‌گاه از آثار سلف دست نکشیدند و این‌چنین در یک روند تاریخی، اصحاب اثر به اصحاب حدیث نام‌بردار شدند.

بعد از شروع دوره حدیث‌نویسی که بیش از نیم قرن (۱۵۰-۲۰۰ ق.) ادامه داشت، احادیث ضعیف و جعلی فراوانی در میان اهل سنت رواج یافت؛ زیرا یکصد و پنجاه سال بود که به سنت و حدیث پیامبر کمتر توجه می‌شد و هنگامی هم که نوشتن حدیث شروع شد، ضابطه‌ای برای جمع‌آوری حدیث نبود و هر کس هر چه را می‌پسندید به عنوان حدیث پیامبر یادداشت می‌کرد. در اینجا بود که عده‌ای از علمای اصحاب حدیث به فکر پالایش احادیث افتادند و نگارش احادیث صحیح آغاز شد و هر کس توانست در جمع‌آوری احادیث بر اساس اعتقادات اصحاب اثر موفق‌تر عمل کند، کتابش مقبولیت بیشتری نزد اهل حدیث یافت. لذا صحیح بخاری رتبه اول را به دست آورد و صحیح مسلم رتبه بعدی را به خود اختصاص داد؛ اما مسند احمد بن حنبل به دلیل آوردن برخی روایات، رتبه هفتم یا هشتم را به خود اختصاص داده است، با اینکه از نظر زمانی احمد بن حنبل قبل از بخاری و مسلم می‌زیست.

به همین علت، ملل و نحل نویسان هر فردی را که احادیث را منبع اصلی فهم دین قرار داد، اصحاب حدیث نامیدند. بنابراین، می‌توان گفت اصحاب حدیث یا اهل حدیث لقب عمومی آن دسته از ائمه و علمای اهل سنت است که در فهم دین متکی بر ظاهر حدیث بودند و از کلام، منطق، فلسفه، قیاس، رأی و به طور عام از عقل‌گرایی گریزان بودند. ابوحاتم رازی درباره اصحاب حدیث می‌نویسد: «اینان را



اصحاب حدیث و اثر گفته‌اند، زیرا رأی و قیاس را به کار نمی‌گیرند و می‌گویند ما باید از آنچه از پیامبر، صحابه و تابعین برای ما روایت شده و نیز آنچه از آنان در باب فقه و حلال و حرام به ما رسیده (فتاوی صحابه و تابعین) پیروی کنیم و روا نیست که قیاس کنیم». وی از القاب اصحاب حدیث با عناوین «حشویه»، «مشتهه»، «مالکیه» و «شافعیه» یاد می‌کند.<sup>۱</sup>

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین اصحاب اثر در قرون نخستین می‌توان از ابن سیرین (متوفی ۱۱۰ ق.) در بصره، ابن شهاب زهری (متوفی ۱۲۴ ق.) و مالک بن انس (متوفی ۱۷۹ ق.) در مدینه، سفیان بن عینه در مکه (متوفی ۱۹۸ ق.)، اوزاعی در شام (متوفی ۱۵۷ ق.)، لیث بن سعد (متوفی ۱۷۵ ق.) در مصر، سفیان ثوری (متوفی ۱۶۱ ق.) در کوفه، عبدالله بن مبارک مروزی (متوفی ۱۸۱ ق.) و اسحاق بن راهویه (متوفی ۲۳۸ ق.) در خراسان نام برد که اکنون این محدثان نزد سلفی‌ها محترم‌اند.<sup>۲</sup>

پیروی از ظاهر احادیث در طول تاریخ اهل سنت شدت و ضعف داشت. برخی از مشهورترین علمای اهل سنت در این طیف جای می‌گیرند. شافعی، احمد بن حنبل، بخاری، مسلم، مؤلفین صحاح سته اهل سنت و دیگران هر کدام به وجهی از اصحاب حدیث محسوب می‌شوند. این افراد به مباحث اعتقادی کمتر وارد می‌شدند و در فقه و کلام به حدیث و اثر گرایش داشتند.

۱. ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان، الزینه، ج ۳، ص ۴۳-۴۴؛ همو، گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری (ترجمه الزینه)، ص ۸۱-۸۳.

۲. درباره تک تک این افراد نک.: ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، میزان الاعتدال؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ذیل نام هر یک از این بزرگان؛ نیز نک.: فرمانیان، مهدی، «عثمانیه و اصحاب حدیث قرون نخستین»، در: هفت آسمان.

## احمد بن حنبل و توجه به آثار سلف

بعد از شافعی و ظهور احمد بن حنبل اعتقادات اهل حدیث نظم جدیدی یافت و احمد بن حنبل با مطرح کردن مشهورترین اعتقادات اصحاب اثر به عنوان عقاید اهل سنت یا همان «اصول اهل السنة و الجماعة» با اقبال اصحاب حدیث مواجه شد.<sup>۱</sup> در همین زمینه، تفکر حدیثی اسحاق بن راهویه به اندیشه‌های احمد بن حنبل نزدیک بود و شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در اصحاب حدیث جایگاه ویژه‌ای دارند. از شاگردان او می‌توان بخاری، ترمذی، ابن قتیبه و عثمان دارمی را نام برد که هر کدام آثار مهمی در اصحاب حدیث به وجود آوردند و اکنون نزد سلفیان محترم‌اند.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که تا قبل از مطرح شدن احمد بن حنبل در محافل اصحاب حدیث، بزرگان اصحاب اثر، اقوال پراکنده‌ای را در باب مسائل اعتقادی بیان می‌کردند. بزرگان اصحاب اثر در باب مباحث اعتقادی و کلامی، همواره در حد رفع تکلیف سخن می‌گفتند و می‌ترسیدند که در این زمینه به صورت مبسوط وارد مسائل اعتقادی شوند و غالباً از نظام‌سازی آن طفره می‌رفتند.<sup>۳</sup>

عقیده به جبر، غیرمخلوق بودن قرآن و رؤیت خداوند در قیامت، از وجوه مشترک علمای اصحاب اثر در قرن دوم هجری بوده است و عباراتی در باب تکفیر قائلان به خلق قرآن و توحید صفاتی به کثرت در کتاب‌های

۱. نک: زمزلی، فواز احمد، عقاید ائمة السلف، رساله اصول السنة احمد بن حنبل، ص ۲۴-۳۰.

۲. نک: «اسحاق بن راهویه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۵۴۰.

۳. نک: بادی، جمال ابن احمد ابن بشیر، الآثار الواردة عن الائمة السنة فی ابواب الاعتقاد؛ تمام کتاب پر است از عبارات کوتاه و مجمل بزرگان مورد اعتماد اصحاب حدیث که برای رفع تکلیف بیان شده و خودشان نیز از معانی آنها اطلاع چندانی نداشتند.

آنها دیده می‌شود.<sup>۱</sup> جمله معروف مالک بن انس دال بر همین مسئله است که آنها از ورود به مباحث اعتقادی واهمه داشتند و می‌ترسیدند در این زمینه حرفی بزنند. در جمله مشهور مالک بن انس آمده است که اصل استوای خداوند بر عرش صحیح است، ولی از کیفیت آن اطلاعی ندارد. عبارت ایشان چنین است: «الاستواء معلوم و الکيفية مجهولة و السؤال عنه بدعة». در این عبارت مالک بن انس پذیرفته است که خدا بر عرش نشسته است. یعنی نشستن خدا و صندلی داشتن ایشان و بر عرش بودن را پذیرفته، ولی تنها مشکل او این است که از کیفیت نشستن خبر ندارد و چون نمی‌تواند پاسخ پرسش‌های عقل‌گرایان را بدهد، برای فرار از پاسخ، فتوا می‌دهد که صحبت کردن درباره آن نه تنها جایز نیست، بلکه با بدعت خواندن آن، پرسش‌کننده را مجبور به سکوت می‌کند و جالب‌تر آن است که باور داشتن به همین اجمال را سنت صحابه و تابعین معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

بعد از مالک بن انس، احمد بن حنبل همین راه را پیمود و با توجه به افکار سلف خود که از تفکر عقلی گریزان بودند، خدا را انسان‌وار معرفی کرد. احمد بن حنبل در ۱۶۴ ق. متولد شد و از شانزده سالگی به فراگیری حدیث پرداخت. او سفرهای متعددی برای شنیدن حدیث و اخذ آن کرد و اساتید بسیاری دید. احمد بن حنبل از ۱۹۵ ق. به بعد خود صاحب کرسی درس بود و از ۲۰۵ ق. به بعد فتوا می‌داد. در ۲۱۸ هـ.ق. مأمون تحت تأثیر معتزله، مسئله خلق قرآن را مطرح کرد و از فقیهان و قاضیان خواست که به خلق قرآن اقرار کنند. اکثر فقیهان از ترس جان‌شان اقرار کردند، ولی احمد بن حنبل اقرار نکرد و در مقابل معتصم خلیفه عباسی،

۱. نک: احمد بن حنبل، الرد علی الجهمیة، ص ۱۸ به بعد.

۲. نک: حمید لحر، الامام مالک مفسراً، ص ۶۵.

با صراحت تمام بر عدم خلق قرآن استدلال کرد و به همین علت به زندان افتاد. او در مجموع بیست و هشت ماه در حبس بود.<sup>۱</sup>

احمد بن حنبل به دلیل مقاومتش در مسئله خلق قرآن - که در تاریخ به واقعه محنت مشهور است - منزلتی عظیم نزد اصحاب حدیث یافت و مدافع اصحاب حدیث شناخته شد. در ۲۳۲ ق. متوکل عباسی به خلافت رسید و از اصحاب حدیث - اصحاب اثر سابق - طرفداری کرد و معتزلیان را به مبارزه طلبید. از ویژگی‌های احمد بن حنبل، تعصب مذهبی، توجه تام به اقوال سلف و سخت‌گیری در امور دینی بود و با مخالفان خود به شدت برخورد می‌کرد. احمد بن حنبل در ۲۴۱ ق. در هفتاد و هفت سالگی درگذشت. او شاگردان بسیاری پرورش داد که می‌توان از ابوداود سجستانی، صاحب سنن ابی داود، محمد بن اسماعیل بخاری صاحب صحیح بخاری، مسلم بن حجاج صاحب صحیح مسلم، ابوحاتم رازی صاحب کتاب الجرح و التعديل نام برد. وی در علم رجال تبحر داشت و رجالیون بعد از او به دیدگاه‌هایش توجه خاصی داشتند.

اقتدا به قول صحابه و تابعین (اثر) از ویژگی‌های فکر احمد بود که بعد از احمد بن حنبل به سلفی‌گری یا گرایش به سلف تعبیر شد. وی اجماع صحابه در یک مسئله را لازم‌الاتباع می‌دانست و به قول تابعین اهمیت می‌داد. او ظاهر قرآن را بر اخبار آحاد مقدم نمی‌کرد و به احادیث مشهور بین اصحاب حدیث اهمیت فراوان می‌داد. درباره احمد بن حنبل کتب متعددی نوشته شده که مناقب احمد بن حنبل، نوشته ابن جوزی حنبلی، قدیمی‌ترین کتاب است. با توجه به عظمت احمد بن حنبل نزد اصحاب

حدیث، دیدگاه‌های اعتقادی احمد بن حنبل به عنوان اصول السنة، مطرح شد. احمد بن حنبل در راه نظام‌سازی عقاید اصحاب حدیث می‌کوشید و در دروس خود به آنها می‌پرداخت و بعد از او، شاگردانش این عقاید را مدون کردند.<sup>۱</sup>

بعد از احمد بن حنبل، بیشتر حنابله، برخی از مالکیان، عده‌ای از شافعیان و شمار کمی از حنفیان، به شرح اعتقادات احمد بن حنبل به عنوان اصول السنة پرداختند و کتب متعددی در این زمینه نوشتند. همه این کتاب‌ها با رویکرد حدیثی نوشته شده و در ذیل هر بحث به روایات مورد قبول اصحاب حدیث و آثار صحابه و تابعین توجه خاص شده است. ابوجعفر طحاوی (متوفی ۳۲۱ ق.) با اینکه در فقه طرفدار ابوحنیفه است، ولی بیشتر عقاید اصحاب حدیث را پذیرفت و رساله‌ای به نام عقیده اهل السنة و الجماعة نگاشت که به عقیده طحاویه معروف است و وهابیان به آن توجه خاص دارند و تعدادی از سلفیان و وهابی‌ها، مثل البانی و سَفَر الحوالی، بر عقیده طحاوی شرح نوشته‌اند و این کتاب یکی از معتبرترین کتب درسی مدارس سلفیان عصر حاضر است.

علاوه بر اصول السنة اثر احمد بن حنبل و العقیده اثر طحاوی، برخی آثار دیگر عبارتند از: نقض عثمان بن سعید دارمی علی البشر المریسی (متوفی ۲۸۰ ق.)، التوحید اثر ابن خزیمه (متوفی ۳۱۱ ق.)، الابانة عن شریعة الفرقة الناجیه اثر ابن بطة عکبری حنبلی (متوفی ۳۸۷ ق.)، کتاب الایمان اثر ابن منده حنبلی (متوفی ۳۹۵ ق.)، شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة اثر لالکایی شافعی (متوفی ۴۱۸ ق.)، اعتقاد اثر ابن ابی زید قیروانی مالکی (متوفی ۳۸۶ ق.)، شعب الایمان اثر

۱. نک: ابوزهره، محمد، احمد بن حنبل، ص ۹۹ - ۱۱۷؛ مدخل «احمد بن حنبل»، در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۷۱۸-۷۳۰.

احمد بن حسین بیهقی (متوفی ۴۵۸ ق.)، المعجم الکبیر اثر طبرانی (متوفی ۳۶۰ ق.)، شرح صحیح مسلم اثر نووی شافعی (متوفی ۶۷۳ ق.)، شرح السنة اثر بغدادی (متوفی ۵۱۶ ق.)، عقیده اثر ابن قدامه حنبلی (متوفی ۶۲۰ ق.)، الاقتصاد فی الاعتقاد اثر عبدالغنی مقدسی (متوفی ۶۰۰ ق.) و الأسنی فی شرح اسماء الحسنی اثر قرطبی مالکی (متوفی ۶۷۱ ق.). این کتاب‌ها با رویکرد اصحاب حدیث نگاشته شده‌اند و در ابوابی از کتاب یا در تمام کتاب به شرح و بسط عقاید اصحاب حدیث متقدم پرداخته‌اند. تمام این کتاب‌ها با نقل احادیثی که مورد قبول آنهاست، از عقاید خود دفاع کرده‌اند که امروزه نیز مورد قبول وهابیان و سلفیان است.

### مبانی فکری احمد بن حنبل

مهم‌ترین مبانی فکری وی که برگرفته از اقوال اصحاب اثر بود، عبارت‌اند از ظاهرگرایی و مخالفت با عقل و عقل‌گرایان، که به اختصار به این دو مبنای احمد بن حنبل، که مبنای فکری همه محدثان و وهابیان است، می‌پردازیم.

۱. توجه تام به ظاهر احادیث منقول از پیامبر و اقوال صحابه و تابعین؛ در نگاه احمد بن حنبل هر نوع تأویل و خروج از ظاهر الفاظ در باب صفات الاهی، به ویژه صفات خبری، ممنوع است. به پندار آنها، جهمیه، قدریه (معتزله)، خوارج، رافضه (شیعه) و مرجئه به علت خروج از ظاهر لفظ و تمسک به تأویل در فهم دین از اهل اهواء و بدع هستند. به زعم احمد بن حنبل، حدیث، مفسر قرآن است و به همین سبب، تعظیم اصحاب حدیث تعظیم پیامبر است و اخذ ظاهر قرآن بدون مراجعه به حدیث جایز نیست.

۲. مخالفت با هرگونه عقل‌گرایی و مباحث کلامی؛ وی به نحو کلی با علم کلام مخالف بود. در نظر اصحاب حدیث، از جمله احمد بن حنبل، «علم کلام» علمی ناشایست است و مجالست با «اهل کلام» حرام است.<sup>۱</sup>

همین مبانی اصحاب حدیث باعث شد در باب توحید صفاتی، گرایش به تشبیه و تجسیم پیدا کنند و در طول تاریخ از آنها با عنوان مشبّهه، مجسمه و حشویه یاد شود. اگرچه همیشه اصحاب حدیث، مجهول بودن کیفیت صفات خداوند را تبلیغ کرده‌اند، ولی این مسئله این افراد را از اتهام تشبیه مبرا نمی‌کند؛ زیرا پذیرش خدایی دارای دست و پا و چشم، کافی است که معتقد به آن را مشبّهه بدانیم.

### اصول اعتقادی احمد بن حنبل

احمد بن حنبل اصول اعتقادی خود را به عنوان عقیده اهل سنت در کرسی تدریس بیان می‌کرد و شاگردانش آنها را به صورت رساله‌های کوچکی نوشتند و برای بعدی‌ها به ارث گذاشتند. مهم‌ترین این عقاید، که امروزه هم سلفی‌ها، به ویژه وهابیت، به آن عنایت دارند، به قرار زیر است:

الف. تمسک به ظاهر آیات صفات خبری و نپرسیدن درباره کیفیت آنها؛

ب. ایمان به قَدَر، خواه خیر باشد و خواه شر؛ یعنی تمام امور، اعم از خیر یا شر، در این جهان خلق خداوند است و خداوند تمام افعال انسان را، اعم از بد و خوب، می‌آفریند و رضا به قضای الاهی و تسلیم امر او بودن (برخلاف عقل‌گرایان) از اصول سنت است.

پ. پذیرش صفات خبری و استواء ربّ بر عرش و خلق آدم بر صورت خودش (برخلاف قائلان به تنزیه)؛

۱. نک.: عبدالله بن احمد بن حنبل، حیاة الامام احمد و محتته، ضمیمه کتاب احمد بن حنبل بین محنة الدين والدنيا، ص ۲۸۷-۲۹۶.

ج. مؤمنان در قیامت خداوند را با چشم سر می‌بینند، همچنان که پیامبر خدای خود را دید؛

د. قرآن کلام خداست و مخلوق نیست و هر کس بگوید مخلوق است، بدعت‌گذار است؛

ه. ایمان به تکلم خداوند با بندگان در قیامت، و ایمان به حوض، عذاب قبر، و شفاعت پیامبر در قیامت؛

و. ایمان به مسیح دجال و نزول عیسی؛

ز. اعتقاد به اینکه ایمان، قول و عمل است و زیادت و نقصان می‌پذیرد (برخلاف مرجئه و ابوحنیفه)؛

ح. افضل امت بعد از پیامبر ابوبکر، عمر، عثمان، علی و اصحاب شورا هستند. تمام اصحاب شورا لیاقت امامت و خلافت را داشتند. پس از آنها اهل بدر از مهاجرین و انصار افضل امت‌اند (برخلاف شیعه)؛

ط. اطاعت از خلیفه وقت، بر یا فاجر، به شرط آنکه امت بر آن اتفاق داشته باشند، واجب است. بنابراین، هیچ کس نباید بر خلیفه خروج کند و هر کس خروج کند، شق عصای مسلمین کرده است و نماز خواندن پشت سر خلیفه ظالم نیز جایز است و هر کس اعاده کند بدعت‌گذار است (برخلاف شیعه)؛

ی. هر کس نقص صحابه پیامبر را بگوید، بدعت‌گذار است. باید بر همه صحابه ترحم کرد و خوبی آنها را ذکر کرد (برخلاف شیعه)؛

ک. بهشت و جهنم خلق شده‌اند و مخالفان، منکر قرآن‌اند (در رد برخی از معتزله)؛

ل. هر کس از اهل قبله بمیرد ما برای او استغفار کرده، بر او نماز می‌خوانیم (برخلاف خوارج)؛



م. ترک جدال و بحث در امر دین (نقی علم کلام و متکلمان) از اصول سنت است؛

ن. مسح بر خُفَّین در سفر و حضر جایز است (برخلاف شیعه).<sup>۱</sup>  
در دیدگاه احمد بن حنبل فرقه‌های شیعه، قدریه، مرجئه، خوارج، معتزله، جهمیه از بدعت‌گذاران بوده‌اند و نماز خواندن پشت سر آنها جایز نیست. دیدگاه‌های احمد بن حنبل، یعنی اعتقاد به ظواهر آیات و روایات که مفهوم آنها به نحو اجمال دانسته می‌شود، نزد اصحاب حدیث پس از وی پذیرفته شد و حدیث‌گرایان بعدی به شرح عقاید او پرداختند و هر کس به این عقاید و ظواهر آن التزام بیشتری داشت، به سلفی‌گری منتسب شد. بعد از احمد بن حنبل، برخی اصحاب حدیث، گرایش به سلف، را یک روش دانستند و به آن توجه کردند.<sup>۲</sup>

شاید اینکه عده‌ای مثل استاد ابوزهره در کتاب تاریخ المذاهب الاسلامیة پیدایش سلفی‌گری را در قرن چهارم و بعد از احمد بن حنبل دانسته‌اند، به دلیل رویکرد برخی اصحاب حدیث بعد از احمد بن حنبل باشد که توجه به سلف، روش برخی از آنها شده بود.<sup>۳</sup> در تاریخ آمده است که وقتی ابوالحسن اشعری، مؤسس مکتب اشاعره، از معتزله روی‌گردان شد و به اصحاب حدیث روی آورد، کتابی بر اساس عقاید اصحاب حدیث نوشت و به بربهاری، شیخ حنبله بغداد داد، اما بربهاری رساله اشعری را به کناری انداخت و گفت این رساله از تفکر سلف دور است و مورد قبول ما نیست. در این زمان ابوالحسن اشعری

۱. نک.: زمزلی، فواز احمد، عقاید ائمة السلف، ص ۱۶-۳۲؛ ابن ابی یعلی، طبقات الحنبله، ج ۱، ص ۳۰ به بعد.

۲. ر.ک.: أبوجیب، سعدی، احمد بن حنبل، السيرة والمذهب، ص ۳۰۴ به بعد.

۳. ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیة، ص ۱۲۴.

کتاب استحسان الخوض فی علم الکلام را نگاشت و همچنان که از معتزله روی گردان شده بود، از اصحاب حدیث هم جدا شد و مکتب جدیدی به نام «اشاعره» بنیان نهاد.<sup>۱</sup>

### گرایش‌های فکری اصحاب حدیث (قرن ۲-۸ ق.)

از میان محدثانی که تفکر اصحاب حدیث داشتند عالمان فراوانی در طول هزار سال گذشته ظهور کرده و آثار مختلفی تألیف کرده‌اند، اما از نظر فکری اختلاف دارند. از نظر فکری می‌توان خود اصحاب حدیث را به سه گرایش تشبیهی، سلفی و تنزیهی تقسیم‌بندی کرد. برخی از محدثان اهل سنت از نظر اعتقادی گرایش به تشبیه و تجسیم خداوند داشته، با هرگونه تأویل آیات و روایات مخالف بودند که می‌توان از ابن بطة عکبری و ابن قدامه یاد کرد. برخی گرایش سلفی داشته‌اند که فراتر از آنچه احمد بن حنبل و دیگران گفته‌اند، نمی‌گفتند که می‌توان از بربهاری و ابن خزیمه یاد کرد. عده‌ای دیگر از عالمان اصحاب حدیث اهل سنت گرایش به تنزیه یافته‌اند و از تأویل هم استفاده کرده‌اند که می‌توان به ابن قتیبه، ابن جوزی و تا حدودی ابن حجر عسقلانی و سیوطی اشاره کرد. وهابیان طیف اول و دوم را قبول دارند، ولی منتقد طیف سوم‌اند و به آثار آنها کمتر استناد می‌کنند. در ادامه به برخی اصحاب حدیث، که وهابیان و سلفیان به آنها اعتماد داشتند، اشاره می‌کنیم.

ابن خُزَیمه؛ ابوبکر محمد بن اسحاق از اصحاب حدیث سلفی‌گرا در ۲۲۳ ق. در نیشابور به دنیا آمد و نزد اسحاق بن راهویه (متوفی ۲۳۸ هـ.ق.) محدث نامی نیشابور، حدیث آموخت و در ۳۱۱ ق. از دنیا رفت. ابن خزیمه در فقه، شافعی‌مذهب بود، ولی در بیان احکام پیرو



مطلق شافعی نبود و خود نیز احکامی برخلاف شافعی دارد. ابن خُزَیمه در عقیده به شدت تشبیهی و تجسیمی است و ظاهر آیات و روایات را اصل قرار داده، از هر گونه تأویل خودداری می‌کند. او با مخالفان به شدت برخورد کرد و حتی حکم کفر و ارتداد برای آنها صادر می‌کرد. مهم‌ترین اثر ابن خزیمه کتاب یک‌جلدی التوحید و اثبات صفات الرب در اعتقادات است که ابونعیم اصفهانی، مستخرجی بر آن نوشته که با عنوان صحیح ابن خزیمه در چهار جلد به چاپ رسیده و از صحاح اهل سنت محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> وهابیان به کتب ایشان رجوع می‌کنند و وی را از بزرگان خود در قرون اولیه می‌دانند؛ در حالی که هیچ چیز از عقاید وهابیت در آثار ایشان یافت نمی‌شود و ابن خزیمه توسل و شفاعت و زیارت قبر و امثال آن را از مصادیق شرک نمی‌داند.

ابن بَظَه عُکَبَری؛ ابو عبدالله عبیدالله بن محمد در ۳۰۴ ق. از اصحاب حدیث تشبیهی در عکبرا در نزدیکی بغداد به دنیا آمد و نزد حنابله بغداد تفکر اصحاب حدیث و فقه حنبلی را آموخت و تا آخر عمر در بغداد ماند و در ۳۸۷ ق. از دنیا رفت. ابن بظه در مباحث اعتقادی صرفاً به کتاب و سنت تکیه داشت و از تفکر اصحاب حدیث با تعصب شدید دفاع می‌کرد. گویا تمام تلاش ابن بظه در طول عمرش نقد شیعه و دفاع از افرادی همچون معاویه است. او از معاویه با عنوان خال المؤمنین یاد می‌کند و مردم را از تحقیق درباره جنگ صفین و جمل باز می‌دارد. از مهم‌ترین آثار ابن بظه که به چاپ رسیده است، می‌توان از الابانة على اصول السنة و الدیانة در اعتقادات یاد کرد که به صورت جدلی، لبه تیز حملات خود را متوجه مخالفان، به خصوص شیعه، کرده است.<sup>۲</sup> آثار وی مورد قبول

۱. نک: مدخل «ابن خزیمه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۱۶-۴۱۹.

۲. نک: پاکتچی، احمد، «ابن بظه عکبری»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۸.

وهابیان و سلفیان است، هرچند او نیز مانند ابن خزیمه هیچ یک از عقاید خاص وهابیت را به عنوان عقاید سلف و اصحاب حدیث بیان نکرده است. لذا از وهابیت باید پرسید اگر این عقاید این قدر مهم است که موجب خروج مسلمان از اسلام می‌شود، چرا این بزرگان مورد اعتماد شما از این مباحث و از این عقاید به عنوان عقاید سلف یاد نکرده‌اند.

با بررسی آثار علمای مورد اعتماد وهابیت می‌توان به این نتیجه رسید، مطالبی که وهابیان به وسیله آن جان و مال دیگر مسلمانان را مباح می‌کنند در هیچ یک از آثار پیشینیان، که مورد اعتماد آنها هستند، نیست و فقط از ابن تیمیه به این طرف وارد فکر اصحاب حدیث شده و تا قرن دوازدهم ق. هم هیچ یک از اصحاب حدیث، برداشت‌های ابن تیمیه را قبول نداشتند و متأسفانه از قرن دوازدهم با تندروی‌های وهابیت، این مباحث وارد ادبیات جهان اسلام شد.

بربهاری؛ ابومحمد حسن بن علی، معروف به بربهاری (متوفی ۳۲۹ ق.)، خطیب حنبلی نافذالکلمه‌ای بود که مخصوصاً به دلیل دفاع سرسختانه از مذهب احمد بن حنبل، حنبلیان بغداد به او توجه داشتند. وی با هرگونه کوشش عقلی برای فهم آموزه‌های دینی یا تفسیر و تأویل آنها مخالف بود و به همین علت از متکلمان به شدت انتقاد می‌کرد، کلام را بدعت می‌شمرد و آن را منشأ همه بدعت‌ها و گمراهی‌ها می‌دانست و حتی نشستن در حلقه‌های علمی اهل کلام را منع می‌کرد. اساس دین را «تقلید» از صحابه می‌دانست. هنگامی که ابوالحسن اشعری بعد از جدا شدن از مکتب اعتزال و اعلان رسمی پیروی از احمد بن حنبل نزد وی آمد و گزارش ردیه‌نویسی خود را بر پیروان فرق و ادیان باز گفت، بربهاری پذیرفت و گفت فقط آنچه را احمد بن حنبل گفته است، می‌شناسد.

شهرت بر بهاری بیشتر به دلیل تأکید بر پشتیبانی از آرای سلف و مخالفت با هرگونه افزایش یا دگرگونی در آن و برآشفتن از نقد رفتار صحابیان بود. در روزگار اقتدار حنبلیان در بغداد، برپا کردن مجالس نوحه سرایی امام حسین علیه السلام و نیز رفتن به زیارت حائر حسینی بسیار دشوار بود و زائران با آزار حنبلیان روبه‌رو می‌شدند و حتی بر بهاری دستور داد زنی از مردم بغداد را که در مجالس عزاداری، پنهانی نوحه می‌خواند، بیا بند و بکشند، در حالی که شعر او کمترین تعریضی به سلف نداشت.

در ۳۲۷ ق. شیعیان می‌خواستند مراسم نیمه شعبان را برگزار کنند که بر بهاری و حنابله آنها را تهدید کردند، اما به دلیل تهدید رئیس شرطه بغداد، حنابله نتوانستند کاری انجام دهند. بر بهاری همچنین تخریب مسجد برآثا و دفن مردگان در آن را صادر کرد و حنابله آن را تخریب کردند، اما شیعیان اقدام به بازسازی آن کردند. حنابله برای تخریب مجدد مسجد به پا خاستند که به دلیل اطلاعیه صریح خلیفه عباسی و دستگیری شماری از حنبلیان، این کار صورت نگرفت. رفتار حنبلیان به پیشوایی بر بهاری بسیار تفرقه‌آمیز بود. درهم شکستن دکان‌ها به انگیزه اجرای قوانین شرع و تفتیش خانه‌های مردم، بدون اجازه آنها و دخالت در امر کسب مردم و معرفی کردن بی‌دلیل مردم به پلیس و به گناه‌کاری آنها شهادت دادن، از دیگر رفتارهای حنابله به رهبری بر بهاری بود. همین مسائل باعث شد خلیفه عباسی علیه بر بهاری و یارانش اطلاعیه صادر کند. در اطلاعیه خلیفه به برخی رفتارهای بر بهاری و یارانش از جمله تعرض به پیروان مذهب شافعی، کافر و گمراه نامیدن شیعیان، انتساب مسلمانان به بدعت‌گذاری، مخالفت با رفتن به زیارت قبور، و آزار رساندن زائران اشاره شده است.

رفتار وهابی‌ان و جریان‌های تکفیری بسیار به رفتار حنابله به رهبری بریهاری شبیه است و تخریب مساجد و جلوگیری از عزاداری امام حسین علیه السلام از جمله رفتارهای مشترک این دو گروه است که با تفاسیر جدید ابن تیمیه همراه شده است.

قاضی ابن عربی؛ ابوبکر محمد بن عبدالله معافری اشیلی (۴۶۸- ۵۴۳ ق.)، فقیه مالکی و محدث نامدار اندلس که پدرش از عالمان پرنفوذ مغرب بود. در عقاید باید وی را سلفی دانست و این طرز فکر او به روشنی از کتاب القواصم من العواصم فی ذب عن اصحاب ابي القاسم برمی‌آید. وی از موضع سلفی خود همواره بر صاحبان مذاهب مختلف کلامی و فیلسوفان حمله‌هایی وارد می‌کرد. این کتاب امروزه مورد توجه سلفیان است و ابن تیمیه نیز در نقد شیعه به این کتاب توجه داشته است. وی تا حد امکان می‌کوشد از مذهب مالکی دفاع کند و بر پیروان مذاهب دیگر چون شافعیان، حنفیان و ظاهریان، گاه تا حد افراط بتازد. ابن عربی از حدیث نیز بهره‌ای وافر داشته، تا حدی که کثرت روایات او موجب شده است برخی از معاصرانش به نقل او بدگمان شوند. اما از طرف دیگر، ابن عربی در پذیرش حدیث و عمل بدان بسیار سخت‌گیر است. نکته‌ای که در فقه ابن عربی جلب نظر می‌کند دیدگاه‌های او در مسائل مربوط به جنگ با کفار است. او شاهد جنگ مسلمانان در مقابله با مسیحیان بود و به همین دلیل، اعمالی چون به استقبال شهادت رفتن را تجویز کرده است. مسئله‌ای که امروزه جریان‌های تکفیری در عملیات انتحاری خود از آن استفاده می‌کنند، اما تکفیری‌ها فراموش کرده‌اند که قاضی ابن عربی این فتوا را در مقابل مسیحیان صلیبی صادر کرده است نه برای مسلمانان.



## ظهور اشاعره و افول اصحاب حدیث

انتقادات متکلمان بر اصحاب حدیث و ناتوانی آنها در پاسخ‌گویی به شبهات جدید، باعث شد جایگاه اهل حدیث نزد مردم افول کند و گرایش به متکلمان فزونی یابد. در این زمان بود که عده‌ای از بزرگان اهل حدیث در پی جمع میان عقل و نقل برآمدند و در اول قرن چهارم، ابوالحسن اشعری مکتب اشاعره را پایه‌گذاری کرد. مذهب اشعری جمع میان عقاید اصحاب حدیث و روش معتزله است. وی اعتقادات احمد بن حنبل را پذیرفت و کتاب الابانة و رسالة الى الثغر را نوشت. اکنون عربستان رسالة الى الثغر را به علت هماهنگی با افکار اصحاب حدیث منتشر کرده است. وی در ادامه از روش اصحاب حدیث روی گردان شد و روش معتزله را برای اثبات عقاید اصحاب حدیث انتخاب کرد. به عبارت دیگر، ابوالحسن اشعری از عقل برای اثبات عقاید اصحاب حدیث کمک گرفت و عقل به خدمت عقاید اصحاب حدیث درآمد. بسیاری از بزرگان اهل سنت در طول تاریخ، رویکرد و روش اشعری را پذیرفتند و هر روز بر اعتبار این مکتب افزوده شد. امپراتوری سلجوقیان، دولت ایوبیان و دولت موحدون (مرابطون) از تفکر اشعری حمایت کردند و همین مسائل باعث شد بیشتر شافعیان و مالکیان، تفکر اشاعره را بپذیرند و تفکر رسمی اهل سنت شود. عالمانی همچون غزالی و فخر رازی در این مکتب پرورش یافتند و تفکر اشاعره را با فلسفه و منطق درآمیختند و آن را به سمت منطق و فلسفه مشاء سوق دادند. اگرچه فخر رازی به نقد کتاب اشارات و تنبیهات بوعلی سینا پرداخت، اما خود به نوعی تحت تأثیر فلسفه مشاء قرار گرفت و در کتاب اساس التقدیس



نوشت: «عقل قطعی بر نقل مقدم است».<sup>۱</sup> در این زمان بزرگان اشاعره با شعار «روش سلف اسلم و روش خلف اعلم است» تفکر خود را تفکر برتر معرفی کردند و به نقد اندیشه‌ها و روش اصحاب حدیث پرداختند.<sup>۲</sup> مکتب اشاعره در قرن هفتم از ایران اسلامی تا مغرب عربی گسترش یافته بود و مدارس نظامیه و دانشگاه الأزهر مهم‌ترین مؤسسات آموزشی مبلغ اشاعره بودند که هنوز هم الأزهر مدافع جدی اندیشه‌های اشاعره و ناقد سلفی‌گری و وهابیت است. در این زمان که همه مناطق تحت تسلط اشاعره بود، فردی به نام ابن تیمیه از اصحاب حدیث ظهور کرد و با نوشتن کتاب‌هایی همچون فتوی الحمویة الکبری و العقیده الوسطیه به شدت از اصحاب حدیث دفاع کرد و به نقد افکار اشاعره پرداخت و با برداشت‌های اشتباه خود، مکتب جدیدی به نام سلفیه تأسیس کرد.

### ظهور ابن تیمیه و تأسیس مکتب سلفیه

احمد بن عبدالحلیم، معروف به ابن تیمیه در ۶۶۱ ق. در خانواده‌ای حنبلی مذهب در شهر حران شام به دنیا آمد.<sup>۳</sup> او نزد پدر درس آموخت و فتواهایی داد که باعث رنجش بسیاری از مسلمانان شد. در جنگ ممالیک مصر با مغولان شرکت کرد و مردم شام را بر ضد غازان خان مغول تحریک کرد. مردم به او گفتند که غازان مسلمان شده و جنگ مسلمان با مسلمان جایز نیست، ولی ابن تیمیه غازان خان را به خوارج تشبیه کرد و جنگ با وی را لازم شمرد. متأسفانه امروزه نیز داعش به پیروی از ابن تیمیه و با همین استدلال، کشتن شیعیان عراق را توجیه

۱. تمام کتاب درء تعارض العقل و النقل ابن تیمیه، نقد این جمله فخر رازی است.  
۲. درباره اشاعره نک.: فرمانیان، مهدی، درس‌نامه فرق و مذاهب کلامی اهل سنت، درس اشاعره؛ وات، مونتگمری، فلسفه و کلام اسلامی، ص ۳۴ به بعد.  
۳. در این بخش، از مدخل «ابن تیمیه» دائرةالمعارف بزرگ اسلامی استفاده شده است.



می‌کند و اسم آن را جهاد در راه خدا می‌گذارد.<sup>۱</sup> او به مخالفت با صوفیان و عرفای اسلامی برخاست و کتاب فصوص الحکم ابن عربی را نقد کرد و صوفیان را کافر خواند. نزد ابن تیمیه فقط اصحاب حدیث بر حق بودند و سایر مسلمانان، اعم از صوفیان، اشاعره، ماتریدیه، حنفیان و شیعیان، بر باطل‌اند. در ۷۲۶ ق. ابن قیم جوزی شاگرد ابن تیمیه، توسل به انبیا را جایز ندانست و استحباب سفر برای زیارت قبر حضرت رسول ﷺ را منکر شد و در این زمینه به فتوای ابن تیمیه استناد کرد. مردم شام از این مسئله ناراحت شدند و باعث شد ابن تیمیه به زندان بیفتد. قاضیان مذاهب چهارگانه اهل سنت مصر، فتوای ابن تیمیه در خصوص معصیت دانستن سفر برای زیارت قبور انبیا را نکوهش کردند و حکم به حبس آن دادند. ابن تیمیه در ۷۲۸ ق. در زندان از دنیا رفت.

وی خود را مجتهد مطلق می‌دانست، در حالی که به نظر تمام اهل سنت، بعد از ائمه اربعه، دیگر مجتهدی جامع الشرایط ظهور نکرده است که اجتهادی در حد اطلاق داشته باشد، ولی برخلاف این عقیده عمومی اهل سنت، ابن تیمیه خود را هم سطح ائمه اربعه می‌دانست و اجتهادات جدیدی داشت که باعث رنجش اهل سنت شد. بسیاری از بزرگان اهل سنت در رد عقاید ابن تیمیه کتاب نوشته‌اند و دیدگاه‌های خاص او را که تازگی داشت رد کردند. تقی الدین سبکی (متوفی ۷۵۶ ق.) شیخ الحدیث شام کتابی به نام شفاء السقام فی زیارة خیر الانام در رد عقاید ابن تیمیه نوشت و به استناد احادیثی همچون «من حج ولم یزرنی بعد مماتی فقد جفانی» ثابت کرد که سفر برای زیارت قبر پیامبر اسلام نه تنها حرام نیست، بلکه مستحب مؤکد است.<sup>۲</sup> در مقابل، عده‌ای

۱. بنگرید بیانیه ابومصعب زرقاوی رهبر القاعده عراق در اینترنت.

۲. درباره گزارشی از این کتاب نک.: فرمانیان، مهدی، «گزارش کتاب شفاء السقام»، در: سراج منیر، ش ۳ و ۴، ص ۲۸۰-۲۹۴.



از اصحاب حدیث معاصر ابن تیمیه مثل ابن کثیر (متوفی ۷۴۴ ق.) صاحب البدایة و النهایة، ذهبی (متوفی ۷۴۸ ق.) مورخ و محدث معروف اهل سنت، مزنی صاحب تهذیب الکمال (متوفی ۷۴۲ ق.) در عین برخی انتقادات، از ابن تیمیه تمجید و دفاع کرده‌اند. این افراد هیچ‌گاه عقاید جدید ابن تیمیه را نپذیرفتند، ولی از آن جهت که ابن تیمیه در مسلک آنها بود، از ابن تیمیه در مقابل اشاعره دفاع کردند. بزرگ‌ترین پیرو ابن تیمیه، شاگرد وی، ابن قیم جوزی (متوفی ۷۵۱ ق.) است که در تمام عقاید، تابع ابن تیمیه است و کتاب‌های فراوانی در تأیید عقاید ابن تیمیه نوشته است. ابن تیمیه در فقه و اعتقادات پیرو احمد بن حنبل محسوب می‌شود، ولی برداشت‌های جدیدی داشت که در سخنان و مطالب پیشینیان اثری از آن یافت نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### مفهوم سلفی‌گری و تأسیس مکتب سلفیه

سلف در مقابل خلف، به معنای پیشینیان و درگذشتگان است و در ارتکاز ذهنی اهل سنت به معنای صحابه، تابعین و تابعین تابعین است. در نگاه اهل سنت، برخی از صحابه - نه همه صحابه - به عنوان سلف صالح شناخته می‌شوند. اهل سنت به عنوان پیروان مکتب خلفا، در مقابل شیعه به عنوان پیروان مکتب اهل بیت به دو مکتب مختلف تعلق دارند. اهل سنت، اسلامش را از خلفا و همراهان آنها گرفته و شیعه، اسلامش را از امام علی علیه السلام و فرزندان آن حضرت، که با لقب اهل بیت و ائمه از آنان یاد می‌شود، اخذ کرده است.<sup>۲</sup> بنابراین، خلفا و صحابه‌ای که

۱. درباره زندگی ابن تیمیه و افکارش نک.: شرقاوی، عبدالرحمن، الفقیه المهدب ابن تیمیه؛ الشیبانی، محمد بن ابراهیم، اوراق مجموعة من حياة شيخ الاسلام ابن تیمیه؛ سعید، عبدالرحمن محمد، المقالات السنية فی تیرة شيخ الاسلام ابن تیمیه و ...

۲. در این زمینه بنگرید به کتاب بسیار خوب علامه سید مرتضی عسکری با عنوان معالم المدرستین که عقائد دو مدرسه، یعنی مدرسه خلفا و مدرسه اهل بیت، را به صورت تطبیقی تبیین و تحلیل کرده است.

همراه خلفا بودند، نزد اهل سنت، به ویژه اصحاب حدیث، محترم‌اند و بی‌احترامی به آنها، گاه با کفر فاعل آن همراه می‌شود. به همین علت برخی از سلفی‌ها حکم به کفر شیعه می‌دهند و بدون دلیل شرعی در این زمینه افراط می‌کنند.

با این توضیح می‌توان به این نتیجه رسید که «سلف» لفظی است آشنا و مقدس برای تمام اهل سنت در طول تاریخ، اما فهم سلف از اسلام در چه درجه‌ای از اعتبار است و اهل سنت چقدر آن را می‌پذیرند؟ اختلاف شدیدی میان مذاهب مختلف اهل سنت در این زمینه وجود دارد.

مکاتب و مذاهبی همچون اصحاب رأی، معتزله، اشاعره، و ماتریدیه با تمام احترامی که به سلف می‌گذارند، اما کمتر به فهم سلف اهمیت می‌دهند و حجیت چندانی برای فهم سلف قائل نیستند؛ اما مکاتب و مذاهبی همچون اصحاب اثر، اصحاب حدیث و سلفی‌ها، به فهم سلف و حتی به فتاویٰ صحابه اهمیت می‌دادند. احمد بن حنبل اگر پاسخ مسئله‌ای را در قرآن، سنت، و اجماع صحابه نمی‌یافت سراغ فتاویٰ صحابه می‌رفت و اگر در فتاویٰ صحابه نمی‌یافت، به فتاویٰ تابعین و حتی استادش شافعی توجه می‌کرد و بر اساس آن فتوا می‌داد و از دادن فتوای جدید احتراز می‌کرد.<sup>۱</sup> بنابراین به پاسخ پرسش بالا می‌رسیم که اکثر اهل سنت - چه در طول تاریخ و چه اکنون - اگرچه برای سلف ارزش فراوانی قائل‌اند، اما فهم آنها را فهم برتر نمی‌دانند و فهمی با بن‌مایه‌های عقلی را فهم برتر می‌دانند.

اما با ظهور ابن تیمیه و تمسکش به حدیث «خیر القرون»<sup>۲</sup> وی فهم سلف را فهم برتر دانست و بیان داشت که پیامبر در این حدیث، بهترین



۱. بنگرید: مدخل احمد بن حنبل، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۲. حدیث «خیر القرن، قرن ثلث یلونی ثم یلونی» چهار بار در صحیح بخاری آمده است.

قرن را قرن اول، سپس قرن دوم و سپس قرن سوم دانسته است و در برخی روایات آمده که بعد از قرن سوم خیری نیست. ابن تیمیه با تمسک به این حدیث این قرون را قرون فاضله نامید و مدعی شد که خیر در این آیه عام است و شامل فهم هم می شود. بنابراین، ایمان، عمل و فهم سلف از ایمان و عمل و فهم خلف برتر است و هر کس معتقد باشد که فهم سلف از فهم خلف برتر است، سلفی است و مکتبش، مکتب سلفیه است. منظور ابن تیمیه از خلف، اشاعره، ماتریدیه، فلاسفه، عرفا و متکلمان بودند که از نظر ابن تیمیه فهم باطلی از دین دارند و در نگاه ایشان، فهم ظاهرگرای عقل گریز اصحاب حدیث از فهم تأویل گرای عقل محور متکلمان و فلاسفه و عرفا بهتر است. ابن تیمیه با تمسک به این حدیث، جمله مشهور اشاعره - فهم سلف اسلم و فهم خلف اعلم - را نقد کرد و فهم ظاهرگرای سلف را بر فهم تأویلی خلف ترجیح داد و بدین ترتیب مکتبی با عنوان سلفیه تأسیس کرد. بنابراین، سلفیه، به معنای دقیق کلمه، به کسانی اطلاق می شود که فهم ظاهرگرای اصحاب حدیث در باب صفات خبری را، بر فهم تأویل گرای اشاعره برتر بدانند.

با توجه به مطالب بیان شده می توان به این نتیجه رسید که دعوای ابن تیمیه، دعوایی درون مذهبی و در تقابل با مذاهب کلامی خود اهل سنت، به ویژه اشاعره بود. به تعبیر دیگر، دعوای ابن تیمیه دعوای درون خانگی بود و در پی ترجیح اندیشه های اصحاب حدیث بر اشاعره بود. ابن تیمیه با این کار خود تفکر اصحاب حدیث را که به حاشیه رفته بود و در مقابل اشاعره قابلیت عرض اندام نداشت، با نسبت دادن آن به سلف احیا کرد، اما برخی اجتهادات جدید نیز بر آن افزود و آن را سلفیه نامید و بدین ترتیب مکتبی جدید در تاریخ تفکر مسلمانان به وجود آمد.

به نظر او، سلف بهتر از دیگران، اسلام (قرآن و سنت) را فهمیده‌اند؛ زیرا آنها یا با پیامبر زندگی کرده‌اند، یا با کسانی که با پیامبر زیسته‌اند، معاشرت داشته‌اند. بنابراین، فهم آنها بهترین فهم است و فهم خلف فهم درستی نیست و بر این اساس، عقیده متکلمانِ اشاعره و ماتریدیه و فیلسوفان و عرفا، بدعتی در دین است. چون فهم آنها فهم خلف است و فهم سلف بر فهم خلف برتری دارد.<sup>۱</sup> یوسف قرضاوی با اینکه مدافع جدی ابن تیمیه است، اما به نکته‌ای اشاره می‌کند که تمام استدلال ابن تیمیه را متلاشی می‌کند. وی می‌گوید: «اکثر سلف در بسیاری از موارد می‌گفتند ما معنای این آیه را نمی‌دانیم و معنای آن را به خدا واگذار می‌کنیم».<sup>۲</sup> حال پرسش این است که اگر کسی معنای آیه‌ای را نمی‌داند، چگونه می‌تواند فهمش از همه برتر باشد. مثل آن است که بگوییم فلان انسان در این زمینه چیزی نمی‌داند، اما در این مسئله فهمش از همه برتر است.

ابن تیمیه با تفسیری اشتباه از مفهوم عبادت و توحید عبادی، احترام به قبور اولیای الهی را از مصادیق شرک دانست و تمام مسلمانان را مشرک و کافر معرفی کرد.<sup>۳</sup> موضوعی که بعد از هفت قرن، مسلمانان را به جان هم انداخت و تبلیغات وسیعی در خصوص تکفیر در شبکه‌های ماهواره‌ای سلفی و وهابی طنین‌انداز شد.

بنابراین، ابن تیمیه سه برداشت و تفسیر جدید، اما غلط از مفاهیم دینی داشت که هر سه موضوع، امروزه باعث تحریک عده‌ای شده که سایر

۱. نک: ابن تیمیه، مجموعة التفسیر، ص ۳۶۰-۳۶۲؛ همو، العقيدة الحمویة الکبری، ج ۱، ص ۴۲۵-۴۳۴؛ همو، الرد علی المنطقیین، ص ۴۵۷-۴۶۹.

۲. نک: قرضاوی، یوسف، الصحوة الاسلامیة من المراهقة الی الرشد، ص ۲۰۶.

۳. در این زمینه بنگرید به دو کتاب زیارة القبور وقاعدة جلیلة فی التوسل والوسيلة از ابن تیمیه.

مسلمانان را به کفر و شرک متهم کرده‌اند و هزینه‌های فراوانی را به جهان اسلام تحمیل می‌کنند. این سه موضوع عبارتند از:

۱. تغییر در مفهوم سلف و مقید کردن آن به سه نسل اول و برتر دانستن فهم آنها از دین و تأسیس مکتب سلفیه؛ با تأسیس این مکتب، بار دیگر ضدیت با عقل اصحاب حدیث، با لباسی جدید ظهور کرد و در دوره معاصر، باعث بدفهمی از اسلام و تئوریزه شدن خشونت شد.
۲. توسعه در مفهوم عبادت و شرک دانستن همه مسلمانان؛ که متأسفانه در عصر حاضر وهابیت علّم این تکفیر را به دست گرفته است و همه را کافر و مشرک می‌داند و تفرقه را در جهان اسلام نهادینه می‌کند.
۳. تغییر در مفهوم اجتهاد نزد اهل سنت و حرام دانستن تقلید از ائمه اربعه؛ که باعث شده است افرادی مثل زرقاوی و ابوبکر البغدادی خود را مجتهد مطلق بدانند و جان و مال و ناموس مسلمانان را برای خود مباح کنند و حکم به قتل و غارت اموال دیگران بدهند و اسلام‌هراسی را در جهان نهادینه کنند.

بنابراین، تمام مشکلاتی که امروز دنیای اسلام گرفتار آن است، از بدفهمی‌های ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و دیگر سلفیان از دین اسلام است. دینی که آمده است تا اخلاق را به کمال برساند، دین شمشیر و خشونت معرفی شده است. بنابراین، امروزه جهان اسلام با معضلی به نام ابن تیمیه درگیر است که معلوم نیست چه وقت از آن خلاصی بیابد.

### قرن دوازده هجری و بازگشت سلفی‌گری

اندیشه‌های ابن تیمیه فقط در میان شاگردانش رونق داشت و با درگذشت شاگردانش، عقاید خاص ابن تیمیه به محاق رفت و چهار قرن هیچ عالمی حتی از اصحاب حدیث طرفدار او نبود؛ بلکه به نقد اندیشه‌های ابن تیمیه

پرداختند. ابن حجر عسقلانی از بزرگ‌ترین عالمان اصحاب حدیث پس از ابن تیمیه، به نقد افکار وی پرداخت و حتی تصریح کرد که ابن تیمیه به دلیل تقابل با شیعه، به تنقیص امام علی علیه السلام پرداخته است. سیوطی و متقی هندی از دیگر بزرگان اصحاب حدیث قرن یازدهم هجری هستند که نه تنها اندیشه‌های ابن تیمیه را قبول نداشتند، بلکه علیه آن نیز مطالبی نوشتند؛ اما در قرن دوازدهم هجری اساتیدی در مدینه به تدریس اندیشه‌های ابن تیمیه پرداختند و شاگردانی از اقصی نقاط عالم پیدا کردند که سه نفر از آنها باعث تأسیس مکاتب فکری مختلفی با پذیرش تمام یا برخی از عقاید خاص ابن تیمیه شدند. این سه نفر عبارتند از: محمد بن عبدالوهاب که با کمک آل سعود وهابیت را به وجود آورد؛ ابن‌الامیر صنعانی که به تقویت سلفیه زیدی پرداخت، و شاه ولی‌الله دهلوی که افکارش را در هند پخش کرد و پیروانی یافت که به دیوبندیه مشهور شدند. از این سه نفر فقط محمد بن عبدالوهاب معتقد به تکفیر مسلمانان است و شاه ولی‌الله دهلوی و ابن‌الامیر صنعانی با پذیرش افکار ابن تیمیه، معتقد به تکفیر مسلمانان نبودند.

### وهابیت، مقلدان محض ابن تیمیه

یکی از جریان‌های تکفیری در عصر حاضر، وهابیت است که دو دوره مهم دارد؛ دوره نخست از ۱۱۶۰ ق. که آغاز آن پیمان محمد بن عبدالوهاب با محمد بن سعود در درعیه است. در این پیمان مقرر شد که محمد بن عبدالوهاب و فرزندانش، رهبر مذهبی و محمد بن سعود و فرزندانش، رهبر سیاسی باشند. در این زمان، با حکم تکفیر مسلمانان از سوی محمد بن عبدالوهاب، محمد بن سعود به اطراف حمله می‌کرد و کشتار و غارت اموال مسلمانان به اسم شرک و کفر صورت می‌گرفت.

همچنین، در این دوران، اکثر حنابله منطقه نجد به دست آل‌سعود و با فتاوی محمد بن عبدالوهاب و فرزندانش کشته شدند و تفکر وهابیت با شمشیر گسترش یافت. وهاییان در ۱۲۱۶ ق. به کربلا و نجف حمله، و حرم امام حسین علیه السلام را غارت کردند و بیش از پنج هزار نفر از زائران حسینی را با ندای «اقتلوا المشرکین» و «اذبحوا الکافرین» سر بریدند.<sup>۱</sup> در این زمان، انگلستان، که مسائل منطقه را رصد می‌کرد، با وهابیت ارتباط برقرار کرد و وهاییان و آل‌سعود را مهره‌های خوبی برای تضعیف امپراتوری عثمانی یافت.<sup>۲</sup>

اما حمله به کربلا و نجف و تسخیر مکه و مدینه برای امپراتوری عثمانی گران تمام شد و به پاشای مصر دستور داد با حمله به حجاز و نجد، آن منطقه را از لوٹ تکفیری‌ها پاک کند. پاشای مصر در ۱۲۳۳ هـ.ق. بر آل‌سعود چیره شد و عبدالله بن سعود، رهبر وهاییان، در ۱۲۳۵ ق. در اسلامبول به دار آویخته شد و این چنین دوره اول وهابیت به پایان رسید؛ اما انگلستان این استعمار پیر، همان شب نماینده خود را به نجد فرستاد تا امانتی را از ابراهیم پاشا بگیرد. معلوم نیست نماینده انگلیس از پاشا چه می‌خواست، اما آن قدر مهم بود که نماینده انگلیس تا مکه همراه ابراهیم پاشا رفت تا توانست وقت ملاقات بگیرد و درخواست خود را بیان کند، یا شاید چیزی را که می‌خواست از ابراهیم پاشا بگیرد. آیا در میان اسیران، جاسوسی از انگلستان بود که قرار بود

۱. درباره جنایات وهابیت در این دوره، نک: کوثری، احمد، «جنایات وهابیت تکفیری در کربلا و نجف با تأکید بر دوره اول»، در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۱، ص ۸۲-۱۰۵؛ و نیز موجانی، سید علی و عقیقی بخشایشی، امیر، تقاریر نجد، ص ۸۲.

۲. در این زمینه نک: موجانی، سید علی و عقیقی بخشایشی، امیر، تقاریر نجد، ص ۷۷-۸۱.



نماینده انگلستان او را نجات دهد؟ برای ما معلوم نیست. شاید تاریخ در آینده روشن کند.<sup>۱</sup>

دومین دوره مهم وهابیت از ۱۳۱۹ ق. با ظهور عبدالعزیز بن عبدالرحمن شروع می‌شود. در این زمان، انگلستان برای تضعیف امپراتوری عثمانی به افرادی در اطراف و اکناف جهان اسلام کمک می‌کرد تا با تسخیر برخی مناطق و اعلام استقلال به تضعیف امپراتوری عثمانی پردازند. یکی از این افراد، جوانی نوزده‌ساله از خاندان آل سعود بود که به کمک انگلستان توانست منطقه نجد را تصرف و با فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، اعلام استقلال کند و عربستان سعودی را بنیان نهد.

با وجود امپراتوری عثمانی، انگلستان به عبدالعزیز اجازه حمله به حجاز را نمی‌داد و فقط منطقه نجد را در اختیار داشت، اما با فروپاشی عثمانی و چراغ سبز انگلستان، عبدالعزیز به حجاز حمله کرد و در ۱۳۴۳ ق. منطقه حجاز را تصرف و مکه و مدینه را ضمیمه قلمرو آل سعود کرد و به تخریب قبور اولیای الاهی پرداخت و قبه‌های متبرک انمه بقیع در هشت شوال ۱۳۴۴ ق. تخریب شد که موجب رنجش مسلمانان جهان شد. آنها می‌خواستند قبر شریف و مطهر پیامبر خدا را نیز تخریب کنند که با مقاومت مردم مدینه و عصبانیت مسلمانان جهان روبه‌رو شدند و بنا به مصلحت از این کار دست کشیدند.

بعد از جنگ جهانی دوم و تضعیف انگلستان، چاه‌های نفت در عربستان کشف شد و شرکت‌های نفتی آرامکوی آمریکا به عربستان سرازیر شدند و با قراردادهای یکصدساله، ارتباط عبدالعزیز و آل سعود با آمریکا

برقرار شد و آمریکا عملاً جای انگلیس را در حکومت پادشاهی عربستان گرفت. عبدالعزیز بعد از تأسیس عربستان به کمک انگلستان و بیش از پنجاه سال حکومت از دنیا رفت و بنا به وصیت وی، فرزندانش بر عربستان حکومت کردند. بعد از عبدالعزیز، به ترتیب، سعود، فیصل، خالد، فهد و اکنون پس از مرگ عبدالله، سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان است و در این مدت ارتباط با آمریکا هیچ‌گاه قطع نشد.

دوره سعود و فیصل مصادف بود با حضور تفکر سوسیالیسم در جهان عرب و بر سر کار آمدن رهبرانی چون جمال عبدالناصر در مصر، قذافی در لیبی، حافظ اسد در سوریه، صدام در عراق و شاه عبدالله در اردن که همگی گرایش به چپ داشتند و همین امر باعث شد آمریکا از حضور این تفکر در جهان اسلام به وحشت افتد و به پادشاه ایران و عربستان دستور دهد که برای جلوگیری از گسترش تفکر چپ در جهان اسلام به فکر چاره بیفتند. بدین منظور کنفرانس اسلامی در جده تأسیس شد که بیشترین هزینه آن را عربستان پرداخت می‌کرد. سازمان کنفرانس اسلامی فرصت بسیار مناسبی برای عربستان ایجاد کرد تا به گسترش وهابیت بپردازد. آمریکا به عربستان اجازه داد در تمام جهان مدرسه و مسجد بسازند و با گسترش تفکر وهابیت از گسترش تفکر چپ جلوگیری کنند. سیاست آمریکا باعث شد عربستان تفکر وهابیت را نه تنها در جهان اسلام، بلکه در اروپا هم گسترش دهد، به طوری که همان جوانانی که در مدارس و مساجد وهابیت تربیت یافتند، هم‌اکنون با فتوای مفتیان وهابی همچون عدنان عرعور و امثال آنها به سوریه و عراق می‌روند و به داعش می‌پیوندند. بدین ترتیب برای جلوگیری از گسترش چپ، آدم‌کشانی تربیت شدند که به نام خدا و به اسم اسلام سر

مسلمانان را می‌برند و اسلام‌هراسی را در جهان گسترش می‌دهند. بنابراین، اکنون وهابیت به صورت اقلیت در تمام جهان، به ویژه جهان اسلام، پراکنده شده و با کمک استکبار جهانی و پول‌های نفت مسلمانان هر روز گسترش می‌یابد و تفرقه را در جهان اسلام نهادینه می‌کند.<sup>۱</sup>

### دیوبندیه، مکتبی با گرایشی صوفیانه

یکی دیگر از جریان‌هایی که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه بوده و مسامحتاً از جریان‌های سلفی محسوب می‌شود، دیوبندیه است که تابع تفکرات شاه ولی الله دهلوی است. شاه ولی الله دهلوی یکی از عالمان بزرگ شبه‌قاره هند با سفر به مدینه و پذیرش برخی افکار ابن تیمیه به هند بازگشت و به ترویج افکار وی پرداخت. دوران شاه ولی الله مصادف با ورود کمپانی هند شرقی به هند و تضعیف مسلمانان بود. به همین علت، بعد از وی، شاه عبدالعزیز دهلوی، هند را دارالحرب معرفی کرد و قیام مسلمانان علیه انگلستان را واجب دانست؛ اما تمام قیام‌های مسلمانان علیه انگلستان، به ویژه قیام ۱۸۵۷ به شکست انجامید و مسلمانان هند مایوس از همه جا به فکر چاره افتادند و علمای اهل سنت هند به این نتیجه رسیدند که علت اصلی این مصائب، دور شدن مسلمانان هند از ایمان و عمل و رفتار سلف است. به همین علت به تفکرات شاه ولی الله، که تحت تأثیر ابن تیمیه از سلف یاد کرده بود، روی آوردند و مدارس در این زمینه تأسیس کردند. نخستین مدرسه‌ای که بر اساس اندیشه شاه ولی الله دهلوی در هند ایجاد شد، مدرسه‌ای در روستای دیوبند در نزدیکی دهلی بود که سرفصل دروس خود را بر اساس تفکر شاه ولی الله دهلوی بنیان نهاد.



۱. در کتابچه سوم از سلسله کتابچه‌های چهارده‌گانه جریان‌شناسی سلفی گری معاصر، به تفصیل به وهابیت می‌پردازیم.

بدین ترتیب مکتبی ظهور یافت که به اسم آن روستا، دیوبندیه نام گرفت، حال آنکه باید نام این مکتب را شاه ولی اللهیه نامید.

این تفکر به سرعت در هند تحت اشغال انگلستان گسترش یافت و بسیاری از مدارس سرفصل دروس خود را بر اساس تفکر شاه ولی الله تنظیم کردند و تفکر دیوبندیه رشد کرد. از دل این مدرسه فردی با تأسیس سازمانی به نام جماعت التبلیغ به گسترش این تفکر کمک شایانی کرد. جماعت التبلیغ در ۱۹۲۶ میلادی، هم‌زمان با فروپاشی امپراتوری عثمانی تأسیس شد. مولانا محمد الیاس کاندهلوی، مؤسس این سازمان، از مردم عادی خواست که برای تبلیغ دین، سه روز به تبلیغ بروند و برای خدا به تبلیغ پردازند. این طرح در فضای هند تحت سلطه بریتانیا و با توجه به فروپاشی عثمانی با اقبال فراوان مسلمانان هند مواجه شد و گسترش یافت. این سازمان باعث گسترش تفکر دیوبندیه در جهان شد و اکنون جماعت التبلیغ در ۱۶۰ کشور جهان حضور دارند و به تبلیغ تفکرات دیوبندیه و ابن تیمیه می‌پردازند. تخمین زده می‌شود که اکنون این سازمان حداقل ده میلیون مبلغ داشته باشد که تفکر ابن تیمیه را گسترش می‌دهند.

از درون مدارس دیوبند، گروهی نظامی، به نام سپاه صحابه، بیرون آمد که در تقابل با شیعه در ۱۹۸۵ و در پاکستان به وجود آمد و وظیفه خود را مقابله با شیعه و کافر خواندن آنها می‌داند. این گروه معتقد است از آن جهت که شیعه به صحابه توهین می‌کند، کشتن آنها واجب است و دفاع از صحابه بر ما واجب عینی است. البته این افراد که بیشتر آنها مولوی‌های فارغ‌التحصیل مدارس دیوبند هستند، هیچ دلیل شرعی از کتاب و سنت برای قتل شیعیان ندارند، اما تندروی و افراط همیشه در همه فرقه‌ها وجود

دارد. شایان ذکر است که اکثر دیوبندیان مخالف تکفیر شیعه هستند و کشتن آنها را جایز نمی‌دانند و با سپاه صحابه مخالف‌اند.

از دیگر گروه‌هایی که از مدارس دیوبند فارغ‌التحصیل شده‌اند، طالبان هستند. گروه نظامی طالبان همگی فارغ‌التحصیلان مدارس دیوبند در شمال پاکستان بودند که از مدارس مولوی سمیع الحق و مولوی حقانی و مولوی فضل الرحمان فارغ‌التحصیل شدند و با رویکردی تند به مخالفت با مظاهر جدید مدرنیته پرداختند و در ۱۳۷۱ هـ.ش. به کمک پاکستان به افغانستان حمله کردند و سریع خود را به کابل رساندند. با حمله آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان از حکومت ساقط شدند، اما هیچ‌گاه از بین نرفتند، بلکه بر تعداد آنها افزوده شد و طالبان پاکستان نیز در ۲۰۰۶ تأسیس شده است. طالبان اگرچه تند و افراطی هستند و شیعه را کافر می‌دانند، اما در ده سال گذشته عملی بر ضد شیعه و ایران انجام نداده‌اند.

#### اخوان المسلمین، تشکیلاتی برای رسیدن به حکومت

سومین جریان سلفی، سازمان اخوان المسلمین مصر است که حسن البناء در ۱۹۲۸ آن را تأسیس کرد. حسن البناء تحت تأثیر تألیفات و مقالات سید محمد رشید رضا به اندیشه‌های ابن تیمیه گرایش یافت. رشید رضا، خود، شاگرد محمد عبده بود و اندیشه‌های اصلاح‌طلبی داشت، اما انتشار آثار ابن تیمیه در مصر و اتفاقات تاریخی زمان رشید رضا باعث شد رشید رضا افکار ابن تیمیه را بپذیرد، ولی برخلاف وهابیان، معتقد به تکفیر مسلمانان نبود. دکتر یوسف قرضاوی از رشید رضا با عنوان «سلفیه مستتیر» یاد کرده است.

حسن البناء با مطالعه مجله المنار به سلفیت گرایش پیدا کرد و در رساله اعتقادات خود تصریح دارد که دیدگاه سلف در باب صفات خبری اسلام است. وی با رویکردی اعتدالی و تقریبی، مسائلی را که وهابیت شرک

می‌دانستند بدعت می‌داند و از این جهت اختلافاتی با وهابیان و دیگر سلفیان دارد. دغدغه حسن البناء حکومت اسلامی بود و برای احیای خلافت اسلامی، سازمان اخوان المسلمین را تأسیس کرد. اخوان المسلمین اگرچه خود را سلفی می‌نامند، اما با دیگر سلفیان، به ویژه وهابیت، اختلافات فراوانی دارند. تأکید بر مردم‌سالاری دینی و توجه به شعار الاسلام هو الحل و نگاه مثبت به شیعه، به عنوان یکی از مذاهب اسلامی، از امتیازات اخوان المسلمین است که شیعه را به آنها نزدیک می‌کند. اخوان المسلمین مهم‌ترین سازمانی است که در بیداری اسلامی نقش مهمی داشته و دارد و از این حیث با انقلاب اسلامی در ایران هم‌سوست.

اخوان المسلمین با رویکرد الاسلام هو الحل و برای رسیدن به حکومت، توانستند در بسیاری از کشورها نفوذ کنند. این سازمان تشکیلاتی است و در سی و هشت کشور جهان دفتر مستقل دارد و با انتخابات، هیئت امنای خود را انتخاب می‌کنند. اخوان المسلمین مبانی علمی و فکری محکمی ندارد. به همین علت، عمل‌گرایی در آن شدید است و گاه تا یکصد و هشتاد درجه چرخش فکری و عملی دارد. با توجه به همین نکته است که در هر کشوری با مقتضیات آن کشور همراه شده است. بنابراین، می‌توان سه گرایش در اخوان المسلمین یافت که عبارتند از: اخوان سکولار، مثل اردوغان در ترکیه، اخوان سلفی، مثل دکتر یوسف قرضاوی، و اخوان صوفیانه که در برخی از کشورها و در میان بزرگان اخوان المسلمین مصر یافت می‌شوند.

**سلفیان جهادی: تفنگ‌به‌دوشانی در پی یافتن مکانی برای جهاد**  
از دل تفکرات دعوت‌گرانی همچون اخوان المسلمین، افرادی ظهور کردند که جهاد را بر هر چیز مقدم داشتند و تفنگ‌به‌دوشانی شدند که در

عالم می‌گردند تا مکانی برای جهاد بیابند. مهم آن نیست که این جهاد مطامع چه کسی را تقویت و اعتبار چه چیزی را کم می‌کند، مهم آن است که جهاد کنند. اما برای چه و برای که؟ این مسئله برای آنها مهم نیست.

با نگارش کتاب معالم فی الطريق اثر سید قطب و انتساب تمامی شهرهای اسلامی به شهرهای جاهلی، تعدادی از جوانان تند و افراطی اخوان المسلمین که از مدارا و تسامح رهبران اخوان المسلمین مصر خسته شده بودند به این تفکر روی آوردند و گروه‌های جهادی متعددی در مصر تشکیل دادند. شکری مصطفی با تشکیل گروه جماعة المسلمین (التکفیر و الهجرة) و نگارش رساله الايمان و محمد عبدالسلام فرج با تأسیس گروه الجهاد و تألیف کتاب الفریضة الغائبة، جهاد را واجب فراموش شده معرفی کردند و مدعی شدند که بر هر مسلمانی جهاد برای برپا کردن حکومت و خلافت اسلامی واجب عینی است و باید این فریضه احیا شود. این افراد تمام مسلمانان را به دلیل پذیرش یا سکوت در مقابل فرهنگ غرب و حاکمانی که بغیر ما انزل الله حکم می‌کنند، کافر دانستند و تمام افرادی را که به این حاکمان کمک می‌کنند مهدورالدم معرفی کردند و به ترور سادات دست زدند. این افراد معتقد بودند مسلمانانی که به حاکمان سکولار کمک می‌کنند، عدو قریب (دشمن نزدیک) ما هستند و آمریکا و اسرائیل عدو بعید (دشمن دور) هستند.<sup>۱</sup>

در این زمان شوروی به افغانستان حمله کرد و افرادی که به دنبال جهاد بودند، مکانی برای جهاد یافتند. آنها به افغانستان رفتند و عرب - افغان یا افغان العرب‌ها نام گرفتند. رهبر این گروه فردی به نام دکتر عبدالله عزام بود که برای وجوب جهاد و عینی بودن آن بر هر مسلمان، آثار فراوانی



۱. در این زمینه نک.: کپل، ژیل، پیامبر و فرعون، ترجمه دکتر حمید احمدی، انتشارات کیهان، ص ۱۴۵ به بعد.

تألیف کرد. در این زمان آمریکا با همکاری عربستان و پاکستان به این افراد، کمک نظامی کرد تا افغانستان، ویتنام شوروی شود. حکم جهاد علمای وهابی مزید بر علت شد و افرادی را از جهان اسلام به افغانستان سرازیر کرد. در این زمان شوروی و مدافعان آن در افغانستان عدو قریب (دشمن نزدیک) شدند و مسلمانان از دست این افراد در امان بودند.

جنگ شوروی به نفع مجاهدان افغانی تمام شد، اما حکومت اسلامی تشکیل نشد. با ترور عبدالله عزّام کمک‌ها قطع شد. این افراد که جهاد را واجب عینی می‌دانستند، در عالم پراکنده شده بودند و مکانی برای جهاد می‌جستند. چچن مکان بعدی آنها برای جهاد بود. سپس بوسنی و در ادامه یمن و هر جا در جهان اسلام آشوب داخلی به وجود می‌آمد، سر و کله این جاهلان و به زعم خود، جهادیون (مجاهدین) پیدا می‌شد.

نبود رهبری واحد، باعث پراکندگی سلفیان جهادی بود تا اینکه در اوایل دهه نود میلادی، مجاهدین، اسامه بن لادن را به عنوان رهبر خود انتخاب کردند و گروهی به نام «جبهه جهاد علیه صلیبیون و یهود» تأسیس کردند که به القاعده شهرت یافت. عدو قریب (دشمن نزدیک) القاعده، آمریکا بود و تمام عملیات‌های القاعده علیه مواضع آمریکا بود، اما در این عملیات‌ها مسلمانان فراوانی کشته شدند. حمله به سفارت‌خانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا و حمله به کشتی آمریکایی در خلیج عدن از مهم‌ترین عملیات‌های القاعده علیه آمریکا بود.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی با حمله هواپیماهای مسافربری مواجه شد و انگشت اتهام به سمت القاعده رفت. اسامه بن لادن، که رهبر القاعده بود، مهم‌ترین تروریست جهان شناخته شد. آمریکا به افغانستان محل استقرار اسامه بن لادن حمله کرد تا اینکه توانست او را در ۲۰۱۱ در ابوت‌آباد پاکستان در منزلی بکشد.





در ۲۰۰۳، آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و سلاح‌های گستر  
 جمعی به عراق حمله کرد و گروه‌های سلفی جهادی متعددی در عراق  
 شکل گرفت که گروه التوحید و الجهاد زرقاوی از مهم‌ترین این گروه‌ها  
 بود. زرقاوی به جای حمله به مواضع آمریکا، شیعیان را عدو قریب  
 (دشمن نزدیک) خود نامید و با نوشتن رساله هل اتاک حدیث الرافضة به  
 جنگ مذهبی دامن زد.

با شورش عده‌ای در سوریه علیه دولت قانونی بشار اسد، القاعده عراق  
 به سوریه آمد و در ۲۰۱۳ به دلیل اختلافات داخلی القاعده، داعش به  
 عنوان جریانی جدید از دل القاعده بیرون آمد که شیعیان مهم‌ترین دشمن  
 این گروه محسوب شدند و با تصرف بخش وسیعی از عراق در ماه مبارک  
 رمضان امسال (۱۳۹۳ هـ.ش. / ۱۴۳۵ ق. / ۲۰۱۴ م.) ابوبکر البغدادی،  
 رهبر داعش، اعلام خلافت اسلامی کرد و خود را خلیفه مسلمانان نامید.  
 ادعای ابوبکر البغدادی در خصوص خلافت اسلامی بازتاب فراوانی  
 در جهان اسلام داشت. عده‌ای از سلفیان جهادی که آرزوی تأسیس  
 حکومت اسلامی را داشتند به داعش پیوستند و عده‌ای نیز همچون  
 القاعده، این خلافت را مشروع ندانستند و به مخالفت با آن پرداختند.  
 اعلام خلافت، زنگ خطری برای تمام پادشاهان منطقه بود. لذا حامیان  
 دیروز داعش، به یکباره مخالفان امروز آن شدند و کشورهای حاشیه  
 خلیج فارس از حامی به دشمن داعش تبدیل شدند.<sup>۱</sup>



۱. این چهار جریان (وهابیت، دیوبندیه، اخوان المسلمین و سلفیان جهادی) مهم‌ترین  
 جریان‌های سلفی عصر حاضرند که به اختصار به آنها پرداختیم و تفصیل آن را می‌توانید در  
 کتابچه‌های بعدی دنبال کنید.

**تقسیم‌بندی‌های گوناگون در خصوص جریان‌شناسی سلفی‌گری**  
 درباره تقسیم‌بندی جریان‌های سلفی میان محققان و نویسندگان هیچ  
 اتفاق نظری وجود ندارد. هر کسی با توجه به برخی مسائل، به  
 تقسیم‌بندی سلفیه پرداخته است و سلفیان را به اقسام و انواع گوناگونی  
 تقسیم کرده که گاه هیچ اشتراکی با هم ندارند. دکتر یوسف قرضاوی در  
 کتاب الصحوة الاسلامیة من المراهقة الى الرشد مطالب جالبی درباره  
 سلفیان بیان داشته است. وی سلفیان را معادل وهابیان گرفته است و خود  
 وهابیان را به چند دسته تقسیم کرده است. قرضاوی می‌نویسد:

کلمه سلفیون تعبیری جدید است. نمی‌دانم از کجا شیوع یافته  
 است. قبلاً به این افراد «اهل حدیث» یا «اهل اثر» می‌گفتند ...  
 مهم‌ترین اختلاف ایشان با دیگران درباره صفات خبری است ...  
 اهل اثر این صفات را برای خدا ثابت می‌کردند، ولی درباره  
 معنایش سخن نمی‌گفتند ... مهم‌ترین مدافع سلفیه، ابن تیمیه  
 است ... و در عصر حاضر تفکر سلفی به دست محمد بن  
 عبدالوهاب احیا شد ... اما محمد بن عبدالوهاب تفکر اصلاحی  
 در فقه و شئونات زندگی نداشت. شاید دلیل آن این است که در  
 بادیه زندگی می‌کرده است ... پیروان ایشان هم فقط بر نصوص  
 تأکید کرده‌اند و بر آن توقف می‌کنند. این جریان از مقاصد  
 شریعت چیزی نمی‌داند و بر الفاظ تأکید می‌کند ... یکی دیگر از  
 انمه سلفیه معاصر، رشید رضا است ... اما سلفیون معاصر چندان  
 به او توجه نمی‌کنند. زیرا تحت تأثیر محمد عبده بود، اما او زعیم  
 سلفیه مستنیر است ... عده‌ای از سلفیون، سلفیه سیاسی هستند  
 ... کسانی که از فکر اخوان المسلمین متأثرند ... مثل سلمان  
 العوده، سفر الحوالی، عایض القرنی و دیگران ... دسته دیگر از  
 سلفیون، آلبانی‌ها هستند ... که تقلید از مذاهب اربعه را حرام  
 می‌دانند ... اما خودشان از آلبانی تقلید می‌کنند. گویا مذهب



پنجمی را در کنار مذاهب اربعه تأسیس کرده‌اند ... عده‌ای دیگر از سلفیون، جامی‌ها هستند که رئیس آنها ربیع مدخلی است که به همه طعن می‌زند ... یکی از گرفتاری‌های عصر ما این است که بسیاری از جوانان را می‌بینی حتی یک کتاب حدیثی را نمی‌توانند بخوانند ... اما ادعای اجتهاد مطلق می‌کنند و می‌گویند انمه اربعه رجال و نحن رجال ... شیخ محمد غزالی از دست اینها بسیار نالان بود.<sup>۱</sup>

دکتر یوسف قرضاوی در این تقسیم‌بندی، اختلافات یک طیف از سلفی‌ها را که یا وهابی‌اند و یا تفکری بسیار نزدیک به وهابیت دارند بیان می‌کند و نشان می‌دهد که خود وهابی‌ها، چند گرایش فکری دارند. البته وی به طیف طرفداران رشید رضا هم اشاره دارد که امروز، گروه خاصی را در این زمینه نمی‌شناسیم. قرضاوی همچنین از سلفیه جهادی به عنوان جوانانی که از دین هیچ چیز نمی‌دانند، اما خود را مجتهد مطلق می‌دانند، یاد کرده، اما از آنها نامی نبرده است.

تقسیم‌بندی دیگری، که در سایت احزاب و مذاهب وابسته به اهل سنت کردستان آمده، سلفیان را به چهار گروه تقسیم کرده است: سلفیه اصلی یا سنتی، سلفیه معتدل، سلفیه البانی و سلفیه جهادی یا سیاسی. در این تقسیم‌بندی برخی از بزرگان و سازمان‌های وهابی در قسم اول و برخی دیگر از وهابی‌ان در قسم دوم قرار داده شده‌اند و به نوعی، سه قسم نخست این تقسیم، تقسیم یک طیف فکری، به سه قسم است. در این تقسیم‌بندی اخوان المسلمین و دیوبندیه از سلفیان محسوب نمی‌شوند.<sup>۲</sup>

۱. قرضاوی، یوسف، الصحوة الاسلامیة من المراهقة الى الرشد، ص ۲۰۱-۲۰۵.

۲. نک.: «انشعابات اصلی سلفیه در سطح جهانی»، در:

<http://ahzab.blogspot.com/1390/04/08/post-64>



یکی از نویسندگان قطری تقسیم‌بندی دقیق‌تری انجام داده است و سلفیان را به سه قسم تقلیدی، اصلاحی و جهادی تقسیم کرده است. در نگاه وی، تمام عالمانی که یا وهابی‌اند یا اندیشه‌ای نزدیک به وهابیت دارند، سلفیه تقلیدی نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر، تمام تقسیمات یوسف قرضاوی زیرمجموعه سلفیه تقلیدی است. در این تقسیم‌بندی جریان‌هایی مثل اخوان المسلمین یا گروه‌های نزدیک به آن زیرمجموعه سلفیه اصلاحی قرار می‌گیرند و تمام گروه‌هایی که قائل به وجوب جهادند، اعم از القاعده و داعش و دیگر گروه‌های جهادی زیرمجموعه سلفیه جهادی قرار می‌گیرند. این تقسیم‌بندی به واقعیت خارجی و محتوای فکری طیف‌های فکری سلفی، بسیار نزدیک است و از همه تقسیم‌بندی‌ها بهتر است، اما در این تقسیم‌بندی جایی برای دیوبندی و جماعت التبلیغ وجود ندارد.<sup>۱</sup>

در تقسیم‌بندی دیگری که در کتاب تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت صورت گرفته، سلفیان به پنج گروه عمده تقسیم شده‌اند که عبارتند از: سلفیه تکفیری مثل وهابیت، سپاه صحابه، لشکر طیب و جهنگوی؛ سلفیه جهادی در اندیشه سید قطب و عبدالسلام فرج و چند جماعت در الجزایر و حزب التحریر و القاعده و زرقاوی؛ سلفیه تبلیغی مثل جماعت التبلیغ و اهل حدیث پاکستان مثل احسان الاهی ظهیر؛ سلفیه سیاسی مثل جماعت اسلامی مودودی و جمعیت علمای اسلام پاکستان و اخوان المسلمین و طالبان؛ سلفیه اصلاحی یا تنویری مثل سید جمال و عبده و اقبال و شلتوت.

۱. بتگرید: مصطفی، حمزه مصطفی (۲۰۱۳). «جبهه کمک به اهالی سوریه (النصره) از پیدایش تا تجزیه»، در: <http://okhowah.com> تاریخ دسترسی: ۹۳/۷/۴.



در این تقسیم‌بندی جریان‌ها بر اساس رویکردشان در مسائل سیاسی و فکری تقسیم شده و گاه تداخل‌هایی در آن دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

دکتر ابولوز از محققان شمال آفریقا در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «سلفیه در مغرب»، سلفیان را به سه دسته تقلیدی، علمی، و جهادی تقسیم می‌کند. در تقسیم‌بندی وی نامی از اخوان المسلمین و دیوبندیه وجود ندارد.<sup>۲</sup> تقسیم‌بندی سلفیان به همین پژوهش‌گران و محققان محدود، محدود نمی‌شود و افراد دیگری نیز تقسیم‌بندی‌های خاص خود را دارند، اما این تشتت در تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که در باب سلفیه و سلفی‌گری هیچ وحدت فکری‌ای وجود ندارد و هنوز در تعریف سلفی و سلفی‌گری اختلافات فراوانی میان محققان هست.

برای فهم صحیح از گرایش‌های سلفیه یک بار دیگر باید مفهوم سلفی‌گری را بازبینی کنیم. به نظر مبدع و جاعل مکتب سلفیه، یعنی ابن تیمیه، سلفی کسی است که فهم ظاهرگرای سلف در صفات خبری را بر فهم تأویل‌گرای اشاعره برتر بداند. بنابراین، هر کس این عقیده را داشته باشد و به آن پای‌بند باشد، سلفی است، اما از جریان‌های سلفی عصر حاضر فقط وهابیان و افرادی که تفکراتشان به وهابیت نزدیک است به این عقیده التزام دارند و هیچ یک از جریان‌های دیگر سلفی اعم از اخوان المسلمین، دیوبندیه و حتی سلفیان جهادی التزام دقیقی به این تعریف ندارند و اطلاق سلفی به این گروه‌ها تسامحی است. زیرا خلط افکار و بدعت‌های جدید ابن تیمیه و انتساب این افکار به سلف باعث شده است هر کس که برخی یا تمام عقاید خاص ابن تیمیه در باب توحید و شرک و احترام به قبور اولیای الهی را بپذیرد، متصف به



۱. نک.: علیزاده موسوی، سید مهدی، سلفی‌گری و وهابیت: تبارشناسی، ج ۱، ص ۸۰-۸۵.

۲. ابواللوز، عبدالحکیم، الحركات السلفية في المغرب، ص ۲۰۱.

سلفی‌گری شود، اگرچه به تعریف سلفی‌گری هیچ التزامی نداشته باشد. بر همین اساس باید گفت این جریان‌های سلفی موجود در واقع جریان‌های سلفی نیستند، بلکه جریان‌های تحت تأثیر افکار ابن تیمیه هستند و باید این جریان‌ها را «جریان‌های ابن تیمیه‌ای» نامید.

بنابراین، و مطابق تعریف ابن تیمیه از سلفیه، دیوبندیان به هیچ وجه سلفی به معنای دقیق کلمه نیستند، اگرچه برخی از افکار ابن تیمیه را قبول دارند و جماعت التبلیغ به تبلیغ آن می‌پردازد. اخوان المسلمین هم به معنای دقیق کلمه سلفی نیست، اما در برخی از گرایش‌های موجود در اخوان المسلمین تفکر سلفی دیده می‌شود، اما همه آنها را نمی‌توان به سلفی منتسب کرد. برخی از اخوان المسلمین افکار ابن تیمیه در باب قبور را تبلیغ می‌کنند، اما تأویل را هم می‌پذیرند و در فقه، به دنبال فقه مقاصدی هستند و از بزرگان اشاعره و صوفیان هم به نیکی یاد می‌کنند. سلفیان جهادی هم به معنای دقیق کلمه سلفی نیستند، اگرچه برخی از وهابیان مثل اسامه بن لادن به آنها پیوسته‌اند و تفکر وهابیت در میان آنها رشد کرده است، اما بیشتر آنها این گونه نیستند و التقاطی از افکار را در میان بزرگان آنها می‌توان دید. بنابراین، امروزه جهان اسلام گرفتار معضلی به نام ابن تیمیه است که حلقه وصل و نخ تسبیح تمام گروه‌های به اصطلاح سلفی است.



## منابع

۱. «انشعابات اصلی سلفیه در سطح جهانی»، در:  
<http://ahzab.blogspot.com/1390/04/08/post-64>
۲. ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن بن هبة الله (۱۴۰۴). تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام علی ابی الحسن الاشعری، بیروت: دار الکتاب العربی.
۳. ابن ابی یعلی، محمد (۱۳۹۳). طبقات الحنابلة، محمد حامه فقی، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
۴. ابن تیمیه (۱۴۰۸). مجموعه التفسیر، عبدالرحمن عمیره، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. — (۱۹۹۳م). الرد علی المنطقیین، رفیق عجم، بیروت، دار الفکر اللبنانی.
۶. — (۱۴۰۳). العقیده الحمویة الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. — (۱۴۱۳). زیاره القبور و الاستجداد بالمقبر، ریاض، الرئاسة العامة للادارات البحوث و الدعوة و الارشاد.
۸. — (۱۴۱۲). قاعدة جلیلة فی التوسل و الوسيلة، ربیع مدخلی، مکتبة لینه.
۹. أبو اللوز، عبدالحکیم (۲۰۱۳). الحركات السلفية فی المغرب، بحث اثروبولوجی سوسیولوجی، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه.
۱۰. أبوجیب، سعدی (۱۹۹۸). احمد بن حنبل، السيرة والمذهب، بیروت و دمشق: دار ابن کثیر.
۱۱. ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان (۱۳۳۵)، الزينة فی الکلمات الاسلامیه العربیه، حسین بن فیض الله همدانی، ج ۳، مطبعة الرساله.
۱۲. — (۱۳۸۲). گرایش ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری (ترجمه الزینه)، ترجمه: علی آقانوری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.



۱۳. ابوزهره، محمد (بی‌تا). ابن حنبل: حياته و عصره، آرائه و فقهه، بی‌جا: دار الفكر العربی.
۱۴. \_\_\_\_\_ (بی‌تا). تاریخ المذاهب الاسلامیة فی السیاسة و العقاید و تاریخ المذاهب الفقهیة، قاهره: دار الفكر العربی.
۱۵. احمد بن حنبل (۱۴۱۱). الردّ علی الجهمیة، احمد بکیر محمود، دارقطیبه.
۱۶. انصاری، حسن و احمد پاکتچی (۱۳۷۳). «احمد بن حنبل»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۷۱۸-۷۳۰.
۱۷. بادی، جمال ابن احمد ابن بشیر (۱۴۱۶). الآثار الواردة عن الائمة السنة فی ابواب الاعتقاد، ریاض: دارالوطن.
۱۸. بخش علوم قرآنی و حدیث (۱۳۶۹). «ابن خزیمه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۱۶-۴۱۹.
۱۹. پاکتچی، احمد (۱۳۶۹). «ابن بطه عکبری»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۸.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). «اصحاب حدیث»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۱۳-۱۲۶.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). «اصحاب رأی»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۲۶-۱۳۲.
- تاریخ دسترس: ۲۰۱۲/۱۰/۱۳.
۲۲. جابری، علی حسین (۱۹۷۷). الفكر السلفی عند الشيعة الاثنی عشریة، بیروت: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. ذهبی، محمّد بن أحمد (۱۳۸۲). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: بجاوی علی محمّد، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، الطبعة الأولى.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷). سیر اعلام النبلاء، تحقیق: محمود شاکر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
۲۵. رفیعی، علی (۱۳۶۹). «بن راهویه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۵۴۰-۵۴۱.





۲۶. زریاب خویی، عباس. «ابن تیمیه» در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۷۱-۱۹۳.
۲۷. زمزلی، فواز احمد (۱۹۹۵). عقاید ائمة السلف، بیروت: دار الکتب العربی، الطبعة الاولى.
۲۸. سعید، عبدالرحمن محمد (۱۴۲۳). المقالات السنیه فی تبرنة شیخ الاسلام ابن تیمیه، دارالعصریه.
۲۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۴). تنویر الحوالک، دارالکتب العلمیه.
۳۰. شرفاوی، عبدالرحمن (۱۴۲۹). الفقه المهدب ابن تیمیه، دارالشروق.
۳۱. الشیبانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۰۹). اوراق مجموعه من حیاة شیخ الاسلام ابن تیمیه، کویت: مکتبة ابن تیمیه.
۳۲. عبدالله بن احمد بن حنبل (۱۹۶۱). حیاة الامام احمد و محتته، ضمیمه در: جواد رومی، احمد بن حنبل بین محنة الدین والدنیا، قاهره: مکتبه التجاریه الکبری.
۳۳. عسکری، سید مرتضی (۱۴۰۵). معالم المدرستین، تهران: مؤسسه البعثه.
۳۴. علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱). سلفی گری و وهابیت: تبارشناسی، ج ۱، قم: انتشارات آوای منجی.
۳۵. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). «عثمانیه و اصحاب حدیث قرون نخستین تا ظهور احمد بن حنبل، با تأکید بر سیر اعلام النبلاء ذهبی»، در: هفت آسمان، ش ۳۹، ص ۱۴۳-۱۸۲.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). «[گزارش] کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الانام»، در: سراج منیر، ش ۴۳، ص ۲۸۰-۲۹۴.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). درس نامه فرق و مذاهب کلامی اهل سنت، قم: آثار نفیس.
۳۸. قرضاوی، یوسف (۱۴۲۹). الصحوة الاسلامیه من المراهقة الی الرشید، دارالشروق.



۳۹. کپل، ژیل (۱۳۸۲). پیامبر و فرعون: جنبش‌های نوین اسلامی در مصر، ترجمه: احمد احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم.
۴۰. کوثری، احمد (۱۳۹۳). «جنايات وهابيت تکفيري در کربلا و نجف با تأکید بر دوره اول»، در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۱، ص ۸۳-۱۰۵.
۴۱. لحر، حمید محمد (۱۴۲۰). الامام مالک مفسر ارضی الله عنه، بیروت: دارالفکر.
۴۲. مالک بن انس (۱۴۲۵). موطأ، نجیب ماجدی، المكتبة العصرية.
۴۳. مصطفی، حمزه مصطفی (۲۰۱۳). «جبهه کمک به اهالی سوریه (جبهة النصرة) از پیدایش تا تجزیه»، در: <http://okhowah.com> تاریخ دسترسی: ۹۳/۷/۴.
۴۴. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۵). تفسیر الاثری الجامع، موسسه التمهید.
۴۵. مهدوی‌راد، محمد علی (۱۳۷۵). «تدوین حدیث ۱: تعاریف»، در: فصل‌نامه علوم حدیث، ش ۱، ص ۳۵-۵۰.
۴۶. موجانی، سید علی؛ عقیقی بخشایشی، امیر (۲۰۱۱). تقاریر نجد: گزارش‌های دولت‌مردان‌های عثمانی مقارن ظهور محمد بن عبدالوهاب و استقرار دولت نخست آل سعود در نجد و حجاز، قم: کتاب‌خانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چاپ اول.
۴۷. وات، مونتگمری (۱۳۷۰). فلسفه و کلام اسلامی، ترجمه: ابوالفضل عزتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول.





# The History of Salafi Doctrine

From past to present



ISBN:978-600-7667-23-1



9 786007 667231